

مناسک حج

مطابق با فتاوی

آیت الله هادی عباسی خراسانی دامت برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۶	شرایط و جوب حج
۱۰	مسائل متفرقه استطاعت
۱۳	نیابت در حج
۱۵	حج استحبابی
۱۶	اقسام عمره
۱۶	اقسام حج
۱۷	صورت حج افراد و عمره مفرده
۱۸	صورت اجمالی حج تمتع

بخش اول: اعمال عمره تمتع

۱۹	فصل اول: محلّ احرام عمره تمتع
۲۲	مسائل متفرقه میقات
۲۲	فصل دوم: واجبات احرام
۲۶	مستحبات احرام
۲۸	مکروهات احرام
۲۸	فصل سوم: محرّمات احرام
۴۲	مستحباب دخول حرم
۴۲	مستحبات دخول مکه معظمه
۴۲	آداب دخول مسجدالحرام
۴۵	فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن
۴۵	واجبات طواف

آداب و مستحبات طواف ۵۳

فصل پنجم: نماز طواف ۵۵

مستحبات نماز طواف ۵۶

فصل ششم: سعی و بعض احکام آن ۵۶

مستحبات سعی ۵۸

فصل هفتم: تقصیر و بعض احکام آن ۶۱

تبدل حج تمتع به افراد ۶۲

بخش دوم: اعمال حج تمتع

فصل اول: احرام حج ۶۳

مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات ۶۴

فصل دوم: وقوف در عرفات ۶۵

مستحبات وقوف در عرفات ۶۶

فصل سوم: وقوف در مشعرالحرام ۶۹

مستحبات وقوف در مشعرالحرام ۷۱

فصل چهارم: واجبات منی ۷۲

۱. رمی جمره عقبه ۷۲

مستحبات رمی جمرات ۷۴

۲. ذبح قربانی ۷۵

جایگزین ذبح ۷۸

مستحبات هدی ۸۰

۳. تقصیر یا حلق ۸۰

مستحبات حلق ۸۳

۸۳..... **فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی**

۸۶..... مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

۸۶..... **فصل ششم: بیتوته در منی**

۸۸..... **فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه**

۹۱..... مستحبات منی

۹۱..... مستحبات دیگر مکه معظمه

۹۲..... استحباب عمره مفرده

۹۲..... طواف وداع

۹۳..... مسائل متفرقه

۹۴..... محصور و مصدود

بر هر مکلف جامع شرایط تکلیف، در صورت داشتن شرایط وجوب حج، انجام حج واجب است. حج از ارکان و ضروریات دین است. ترک آن در صورت کوچک شمردن دین، از گناهان بزرگ است و انکار وجوب حج در صورت منجر شدن به انکار یکی از اصول دین باعث کفر و ارتداد می‌شود.

مسئله ۱. حجة الاسلام یا حج واجب یک بار در تمام عمر بر شخص مستطیع واجب است؛ اگرچه در صورت توانایی تکرار هر ساله آن مستحب است.

مسئله ۲. وجوب حج برای مستطیع فوری است و در صورت ترک در سال اول استطاعت در اولین فرصت باید انجام گیرد. تأخیر در انجام حج بدون عذر بنا بر احتیاط واجب گناه کبیره است.

مسئله ۳. فرد در صورت استطاعت و مهیا بودن مقدمات انجام حج واجب باید در اولین فرصت به حج برود. در صورت تخلف حج بر او مستقر می‌شود و اگر بعداً استطاعت نیز از بین رفت، باید هر طور شده حج را به جا بیاورد.

شرایط وجوب حج

با چند شرط، حج واجب می‌شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست؛

۱. بلوغ؛ پس بر کودک حج واجب نیست؛

۲. عقل؛ پس حج دیوانه صحیح نیست و اگر جنون ادواری دارد و در زمان جنون حج واقع شود، درست نیست؛

مسئله ۴. اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسئله ۵. اگر کودک در حالی که بالغ بوده حج انجام داده ولی علم به بلوغ نداشته و گمان به استحباب داشته است، حج او کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

مسئله ۶. حج کودک (چه ممیز و غیر آن) با اذن ولی مستحب و صحیح است. در کودک غیر ممیز ولی نیت می‌کند و در صورت امکان تلبیه را تلقین می‌کند. مراد از ولی در اینجا ولی شرعی است، اگر چه احتیاطاً از ولی عرفی نیز باید اجازه گرفته شود.

مسئله ۷. بعد از آنکه کودک مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولی، او را از محرمات احرام باز دارد. در صورت تخلف کودک در صید، کفاره آن قطعاً بر عهده ولی او است؛ همچنین بنا بر احتیاط در باقی محرمات نیز کفاره آن به عهده ولی است.

مسئله ۸. قربانی حج به عهده ولی کودک است.

مسئله ۹. ولی کودک باید او را برای انجام تمام اعمال حج و عمره وادار کند؛ در صورت عدم توانایی کودک از انجام اعمال، ولی به نیابت از او انجام دهد.

۳. استطاعت از جهت مال و سلامتی جسمی و روحی و توانایی و باز بودن و امنیت راه و وسعت وقت؛

مسئله ۱۰. مراد از استطاعت مالی داشتن توشه راه، هزینه اقامت، هزینه رفت و آمد و بازگشت به وطن است و علاوه بر این مصارف، تمکن او به گونه ای باشد که ضروریات زندگی یعنی آنچه در معیشت به آنها نیاز دارد را پس از بازگشت داشته باشد؛ مواردی مانند خانه مسکونی، اثاث منزل، وسیله سواری و غیر آن، در حدی که مناسب با شأن او باشد. در صورتی که عین اینها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

مسئله ۱۱. در صورتی که با هزینه کردن ضروریات زندگی به حج برود حج او صحیح است.

مسئله ۱۲. اگر ازدواج بر کسی واجب شود و تنها هزینه یکی از ازدواج یا حج را دارد، ازدواج مقدم است؛ ولی در صورتی که آن را برای حج صرف کند، حج او صحیح است.

مسئله ۱۳. کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارد، اگر وقت طلب او رسیده یا از ابتدا زمان نداشته و می تواند بدون واقع شدن در حَرَج و مشقت، آن را بگیرد واجب است مطالبه کرده و به حج برود، مگر اینکه مدیون نتواند بپردازد. اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می شود، ولی اگر مدیون نمی خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه، حاضر به پرداخت شود.

مسئله ۱۴. اگر کسی مخارج حج را قرض کند و به حج برود حج او صحیح است و از حج واجب کفایت می کند.

مسئله ۱۵. کسی که مخارج حج را دارد و بدهکار نیز می باشد، اگر بدهی او مدت دار باشد، واجب است به حج برود، و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده، لکن طلبکار راضی به تأخیر ادا باشد. حال اگر بدهی فعلی را پرداخت نکرد و به حج رفت، گرچه گناه کرده است ولی حج او صحیح است.

مسئله ۱۶. اگر کسی خمس یا زکات به مالش تعلق گیرد، در صورتی که با پرداخت خمس یا زکات از استطاعت مالی بیفتد، حج بر او واجب نیست. ولی اگر خمس یا زکات را پرداخت نکرد و به حج رفت همانند سایر دیون، حج او صحیح است، گرچه احتیاط در ترک این کار است.

مسئله ۱۷. کسی که از جهت مالی مستطیع است ولی از جهت سلامتی بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی نیز خارج کند؛ ولو احتمال رفع مشکل در سالهای آینده هست. ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده، نمی تواند خود را از استطاعت خارج نماید و اگر چنین کرد، حج بر او مستقر شده و باید به هر نحو است به حج برود.

مسئله ۱۸. فرد مستطیع باید هزینه های مقدماتی سفر حج را نیز دارا باشد؛ همانند ویزا، بلیط هواپیما و مانند آن؛ گرانی این موارد در سال استطاعت باعث سقوط حج نمی شود؛ مگر آن که باعث سختی و مشقت در زندگی او شود.

مسئله ۱۹. اگر فرد ملکی فراتر از نیاز زندگی اش دارد که با فروش آن مستطیع می شود، باید هر چند به قیمت کمتر بفروشد و به حج برود؛ مگر آن که فروش به قیمت کمتر باعث مشقت و حرج گردد.

مسئله ۲۰. اگر شخصی نمی داند مستطیع هست یا نه، بنابر احتیاط واجب باید فحص و تحقیق از داشتن شرایط استطاعت کند.

مسئله ۲۱. اگر نذر کند که در روز عرفه کربلای معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند، نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد، باید به حج برود، و نذر مانع از حج نمی شود. حال اگر حج نرفت، باید به نذر عمل کند، و اگر حج رفت تخلف از نذر موجب كفاره نمی شود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد كفاره نذر را باید بدهد. اگر نذر کند هر سال در روز عرفه به کربلا برود، سالی که مزاحمت با حج دارد باید حج را مقدم کند و كفاره نذر نیز واجب نمی شود.

مسئله ۲۲. اگر هزینه حج شخص را کسی که از نظر عرفی مورد اطمینان است به عهده گیرد، حج واجب می‌شود؛ مگر قبول انجام حج در امور زندگی فرد اخلال وارد کند یا به گونه‌ای خلاف شئون او باشد.

مسئله ۲۳. اگر فرد بذل کننده پولی بدهد و بگوید با این به حج برو، قبول واجب است. در صورتی که پولی بدهد و بین حج و غیر آن مخیرش کند، باز هم قبول واجب است. ولی اگر پولی بدهد و اصلاً ذکر حج نکند، قبول واجب نیست.

مسئله ۲۴. اگر باذل از خویشان فرد باشد یا احرام را انجام داده باشد، برگشت از بذل جایز نیست ولی در غیر این صورت اگر از بذل خود بازگشت باید هزینه بازگشت را به او بدهد.

مسئله ۲۵. هزینه قربانی به عهده باذل است مگر اینکه از ابتدا شرط کند که قربانی به عهده خودت است و او توانایی داشته باشد یا قبول کند. هزینه کفارات مطلقاً (عمد و غیر آن) به عهده خود فرد بوده، گرچه بنا بر احتیاط باید مصالحه کند.

مسئله ۲۶. کسی که برای انجام خدمتی در حج اجیر می‌شود و می‌تواند ضمن آن حج خود را به جا آورد مستطیع است و از حجت الاسلام کفایت می‌کند.

مسئله ۲۷. اگر او را برای انجام حج نیابتی اجیر کردند و با پول آن مستطیع شد، در صورتی که آن حج فوری و مقید به همان سال نباشد باید حج خود را مقدم کند. اما با توجه به اینکه معمولاً قید فوریت هست، بعد از انجام حج نیابتی باید در اولین فرصت حج خود را انجام دهد.

مسئله ۲۸. شخص مستطیع باید پس از بازگشت از حج هزینه‌های زندگی او به طور عرفی تأمین باشد هر چند از راه وجوهات شرعی؛ بنابراین طلاب علوم دینی می‌توانند از راه شهریه مستطیع شوند حتی اگر بعد از بازگشت نیز نیاز به خمس داشته باشند.

مسئله ۲۹. استطاعت بدنی و زمانی و باز بودن مسیر تشریف لازم است. اگر با وجود تمام شرایط استطاعت، حج را ترک کرد، حج بر او مستقر شده و باید به هر طریق آن را انجام دهد.

مسئله ۳۰. کسی که مستطیع است نمی‌تواند حج استحبابی یا نیابتی انجام دهد. اگر نیت استحباب کرد، خود به خود به عنوان حج واجب محسوب می‌شود و در صورتی که نیت نیابت کرد، نیابت صحیح است ولی معصیت کرده است.

مسئله ۳۱. کسی که مستطیع بوده ولی بدون انجام حج از دنیا رفت، بر ورثه لازم است در اسرع وقت از اصل ما ترک، برای او حج نیابتی انجام دهند. در صورتی که اموال به جا مانده کفایت از حج واجب نکند، وظیفه‌ای متوجه ورثه نیست.

مسائل متفرقه استطاعت

مسئله ۳۲. اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او، از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود، در صورتی که مرض او به نحوی است که الان نمی تواند برود، باید صبر کند بعداً انجام دهد، اما اگر یأس از بهبودی داشت، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند، نداشته باشد، مستطیع نمی شود، هر چند ارثی که برده، برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

مسئله ۳۳. زنی که مهریه اش برای مخارج حج کافی است و آن را از شوهر خود طلبکار است، اگر در مهریه شرطی نگذاشته باشد؛ همانند عدم شرط عند المطالبه و عند الإستطاعه و یا شرط عند المطالبه گذاشته باشد یا مرد متمکن از پرداخت بود و پرداختش مفسده ای ندارد و عرف هم این کار را تأیید می کند، مستطیع است، ولی اگر مرد متمکن نبود یا پرداختش مفسده داشت، در این صورت مستطیع نیست.

مسئله ۳۴. با وجوه شرعی؛ مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع می شود و اگر به مکه برود، کفایت از حَجَّة الاسلام می کند.

مسئله ۳۵. اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزان تر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شوون او نباشد، لازم نیست آن را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست و اگر زاید بر شوون او باشد و عسر و حرجی هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید آن را تبدیل کند و با اضافه آن به حج برود.

مسئله ۳۶. اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد تا منزل مسکونی تهیه کند، اگر زی عرفی او به گونه ای باشد که خانه ضرورتش است، مستطیع نمی شود اما اگر کسی مستأجر است و زمینی هم دارد که می تواند به حج برود و منافاتی نیز با زی عرفی وی ندارد، مستطیع است.

مسئله ۳۷. اگر شخصی از سال‌های قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، به جهت کسالت، برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد، اگر امید دارد که در آینده شرایط مسافرت با هواپیما برای او حاصل می‌شود، باید صبر کند تا شرایط حاصل شود و خودش انجام دهد، اما اگر مایوس از حصول شرایط است، می‌تواند نایب بگیرد. اگر استطاعت محرز شود، ولی در اثر سهل‌انگاری به حج نرفت تا از دنیا رفت، باید از اصل ماترک برداشته شود و برای او حج به جا آورند.

مسئله ۳۸. هرگاه زنی با کسب می‌تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می‌افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، باعث حرج و مشکل برای زن نباشد و منع عرفی نیز نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی‌شود.

مسئله ۳۹. استطاعت اولیه از شهر و بلاد است، بنابراین اگر کسی در محل خودش مستطیع نیست، ولی استطاعت حج میقاتی را پیدا می‌کند؛ مانند کسانی که کارگزار حج هستند و دولت آنها را می‌برد، استطاعت از شهر خودش حاصل می‌شود و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

مسئله ۴۰. کسی که بعد از استطاعت مالی، بدون تأخیر سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه کشی شرکت نموده و از جهت اینکه قرعه به نامش اصابت نکرده و استطاعت طریقی از راههای دیگر نیز برای وی حاصل نشده (مثل اینکه فرد توانمند است و می‌تواند از طریق کشورهای دیگر برود)، حج بر او واجب نیست ولی اگر مسامحه کرد و در قرعه کشی شرکت نکرد، یا استطاعت طریقی از راههای دیگر ممکن بود ولی مسامحه کرد، حج بر او مستقر شده است و اگر مرحوم شود، بنابر احتیاط واجب باید از اصل ماترک او بردارند و نایب بگیرند.

مسئله ۴۱. کسی که برای حج نیابتی اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده است؛ چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

مسئله ۴۲. تحصیل استطاعت لازم نیست، اما اگر استطاعت حاصل شد، شخص نمی‌تواند خودش را از استطاعت خارج کند. در حصول استطاعت بنابر احتیاط واجب فرقی نیست بین اینکه در شهر حج یعنی شوال و ذیقعه و

ذی حجه مال پیدا کند یا قبل از آن؛ بنابراین اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند؛ حتی در اوائل سال و قبل از ماه‌های حج.

مسئله ۴۳. خدمه کاروان‌ها که وارد جدّه می‌شوند، اگر سایر شرایط استطاعت را دارند؛ از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و شرایط آنها به گونه‌ای است که می‌توانند پس از مراجعت ادامه زندگی مناسب خود را بدهند، و همچنین با کار آنها به صورت خدمه منافاتی ندارد، مستطیع هستند و باید حجة الاسلام به‌جا آورند و کفایت از حج واجب آنان می‌کند. چنانچه سایر شرایط را ندارند و یا با کار آنها منافات دارد، به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند، باید حج واجب را به‌جا آورند و حکم روحانی کاروان نیز همین است، اما در صورت داشتن سایر شرایط اگر چه بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه داشته باشند، مستطیع می‌شوند.

مسئله ۴۴. پزشکان یا افراد دیگری که با مأموریت به میقات آمده‌اند و در میقات، جامع شرایط استطاعت هستند، به شرطی که منافات با مأموریت او نداشته باشد، واجب است حجة الاسلام به‌جا آورند. اما اگر به پزشکی شرط کردند که مُحرم نشوی و او مُحرم شد، حج او باطل نیست؛ ولی معصیت کرده است.

مسئله ۴۵. شخصی که حج واجب خود را انجام داده است، اگر به نحو صحیح انجام داده است، وجهی برای اعاده وجود ندارد؛ چون عدم اعاده جلوی وسواس را هم می‌گیرد. اما در صورتی که احتمال می‌دهد حَجَّش صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، می‌تواند قصد ما فی الذمه کند یا بنا بر احتیاط مستحب قصد حجة الاسلام داشته باشد.

مسئله ۴۶. اگر فردی یقین به استطاعت داشته و تمام اعمال حج را انجام داده است و بعد کشف شد که مستطیع نبوده، حَجَّش مجزی از حجه الاسلام است؛ چون استطاعت اعتقادی هم کفایت می‌کند و نیازی به استطاعت حقیقی نیست. ولی اگر از همان اول شک در استطاعت داشت، مستطیع نبوده است؛ چون مکلف مأمور به تکلیف فعلی است نه واقعی. همچنین اگر کسی خیال می‌کرد، مستطیع نیست و به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال عمره تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، از همان اول محرم به احرام تمتع است و مجزی از حجه الاسلام می‌باشد.

مسئله ۴۷. اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج، فوت کرده است و چند پسر دارد، با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود، مستطیع می‌شود، در صورت اختلاف با قرعه مشخص شود.

مسأله ۴۸. اگر کسی مستطیع شد، باید حج به جا آورد و با بخشش پول یا نوبت به دیگری، تکلیف از او ساقط نمی‌شود و در صورتی که با بخشش پول و نوبت به دیگری نتواند حج واجب خود را به جا آورد، بخشش جایز نیست، اگر چه حج آن فرد صحیح است.

نیابت در حج

مسأله ۴۹. در نایب اموری شرط است:

۱. بلوغ، بنابر احتیاط واجب؛

۲. عقل؛

۳. ایمان، بنابر احتیاط واجب؛

۴. وثوق و اطمینان به انجام دادن او، و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن، و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می‌شود؛

۵. معرفت نایب به افعال و احکام حج هر چند با ارشاد کسی در حال عمل؛

۶. ذمه نایب، مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد، اما اگر غفلت کرد و نایب شد، صحیح است.

۷. قبل از نیابت معذور در ترک بعض افعال حج نباشد؛ بنابراین اگر بعد از نیابت عذری پیدا کرد، اشکال ندارد. اگر می‌داند که در اثناء حج عذری پیدا می‌شود، بنابر احتیاط واجب نباید نایب شود.

مسأله ۵۰. در منوب عنه اموری شرط است:

۱. اسلام، بنابر احتیاط واجب.

۲. در حج واجب شرط است که منوب عنه از دنیا رفته باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استحبابی، بنابر احتیاط واجب این شرط لازم است و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست و همجنس بودن بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست و جایز است کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.

مسأله ۵۱. نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند هر چند به اجمال و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است.

مسأله ۵۲. ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود مگر به اینکه نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است مطلقاً؛ چه حجه الاسلام باشد یا غیر آن.

مسأله ۵۳. لباس احرام و یول قربانی در حج نیابی بر اجیر است؛ مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد. همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

مسأله ۵۴. نایب در طواف نساء باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط مستحب آن است که به قصد مافی الذمه به جا آورد.

مسأله ۵۵. اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد، زن بر او حلال نمی‌شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

مسأله ۵۶. استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوب عنه مجزی نیست.

مسأله ۵۷. در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست؛ چون نمی‌تواند بین آنها جمع کند و همه را انجام دهد و در غیر واجب مانع ندارد.

مسأله ۵۸. کسی که حج بر او مستقر شده و سال اول استطاعت حج نرفته، اگر به واسطه مرض یا پیری و یأس از بهبودی، قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد، واجب فوری است که نایب بگیرد.

مسأله ۵۹. بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می‌شود و لازم نیست خودش حج به جا آورد؛ اگرچه عذرش برطرف شود. اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود.

مسأله ۶۰. کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد، جایز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند باطل است.

مسأله ۶۱. اگر اجیر برای حَجَّةِ الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد، از حج کسی که برای او به جا آورده است، کفایت می کند و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دوباره اجیر بگیرند و همین حکم برای کسی که برای خودش به حج می رود و در آنجا فوت می کند نیز جاری است.

مسأله ۶۲. اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد، پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مُرد، مستحق اجرت رفتن تا محل موت می باشد و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیشتر آن چه از اجرت احرام که ذکر شد مستحق نیست، اگر چه حج از میّت ساقط می شود، و اگر بعض اعمال را به جا آورد و مُرد، مستحق اجرت آن اعمال نیز می باشد، و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف و شرع گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است، اگر چه بعض اعمال را که مضرّ به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست، نسیاناً ترک کرده باشد. در هر صورت مرجع تعیین اجرت در این مسئله عرف و شرع است.

مسأله ۶۳. کسی که به عنوان نیابت به مکه رفت، واجب است بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده به جا آورد.

مسأله ۶۴. کسی که برای حج تمتع اجیر شده، در صورتی که قابل جمع باشد، می تواند بعد از عمل حج، برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده اجیر دیگری شود، چنانچه می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد.

مسأله ۶۵. کسی که از بعض اعمال حج عذر داشته باشد، نمی شود او را برای حج اجیر کرد، و اگر شخص معذور مجانی از دیگری حج به جا آورد، کفایت نمی کند.

حج استحبابی

مسأله ۶۶. مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد؛ از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان حج به جا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است، مستحب است دو مرتبه به حج برود و تکرار حج در هر سال نیز استحباب دارد؛ بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کند. همچنین در وقت خارج شدن از مکه، مستحب است نیت برگشتن نماید و قصد برنگشتن کراهت دارد. اما اگر حج های استحبابی مزاحم حج های واجب باشد، احتیاط در ترک است.

مسأله ۶۷. مستحب است از طرف معصومین علیهم السلام و خویشاوندان یا غیر آنها مجانی حج به جا آورد؛ چه زنده باشند یا مرده.

مسأله ۶۸. کسی که مخارج سفر حج را ندارد، مستحب است با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری یا در صورتی که می‌تواند قرض را ادا کند، با قرض کردن، به حج رود؛ البته در صورت قرض و تشریف، حش حج واجب می‌شود.

مسأله ۶۹. با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبه است و علم به حرمت آن ندارد، می‌تواند آن را صرف کند.

مسأله ۷۰. بعد از فارغ شدن از حج استحبایی، می‌تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند، همچنان که در وقت شروع می‌تواند آن را نیت کند.

اقسام عمره

مسأله ۷۱. عمره هم مانند حج دو قسم است: «واجب» و «مستحب» و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد، یک مرتبه در عمر واجب می‌شود و وجوب آن مانند حج، فوری است و در وجوب آن، استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد، عمره واجب می‌شود؛ هر چند برای حج مستطیع نباشد. برای کسانی که از مکه دور هستند؛ مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است، هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره جدا نیست؛ چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است، به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود.

مسأله ۷۲. واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است.

اقسام حج

حج سه قسم است: «تمتع»، «قران» و «افراد».

تمتع، وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل - که شانزده فرسخ شرعی - عرفی (۸۶ کیلومتر) است - از مکه دور باشند. قران و افراد بر غیر آنها واجب می‌شود.

صورت حج افراد و عمره مفرده

مسئله ۷۳. صورت حج افراد، که گاهی مورد ابتلای متمتع می‌شود، از این قرار است که: زن حایض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع را به‌جا آورد، باید قصد حج افراد کند و به همان احرام عمره تمتع که عدول به افراد کرده، به عرفات برود و مثل سایر حجاج وقوف کند، بعد از آن به مشعر برود، بعد به منی برود و اعمال منی را به‌جا آورد؛ به غیر از هدی که بر او واجب نیست. بعد به مکه برود و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به‌جا آورد. پس در این وقت از احرام خارج می‌شود، بعد از آن برای بیتوته و اعمال ایام تشریق به منی برگردد؛ به همان نحو که سایر حجاج به‌جا می‌آورند. پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک فرق که در حج تمتع هدی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست؛ ولی استحباب دارد.

مسئله ۷۴. صورت عمره مفرده - که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد، بعد از حج به‌جا آورد - آن است که خارج شود به ادنی الحل و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیک‌تر به مکه است، محرم شود و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه و تقصیر یا سر تراشد و طواف نساء به‌جا آورد و نماز طواف بخواند.

مسئله ۷۵. «عمره مفرده» با «عمره تمتع» که تفصیلاً خواهد آمد، در صورت فرق ندارد، مگر در سه چیز:

۱. آنکه در عمره تمتع باید تقصیر کند؛ یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد و سر تراشیدن جایز است و در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

۲. آنکه در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، هر چند اگر احتیاطاً به قصد رجاء انجام دهد بهتر است، و در عمره مفرده واجب است.

۳. آنکه میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می‌آید و میقات عمره مفرده ادنی الحل است و جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه محرم شود.

مسئله ۷۶. کیفیت افعال حج افراد؛ از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه، عین کیفیت حج تمتع است و در احکام مشترک هستند و کیفیت افعال عمره تمتع؛ از احرام و طواف و سایر اعمال، عین کیفیت عمره مفرده است.

مسئله ۷۷. عمره تمتع را اگر کسی به‌جا بیاورد، از عمره مفرده کفایت می‌کند.

مسئله ۷۸. کسی که وظیفه اش حج تمتع است؛ مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب است؛ مثل اشخاصی که به نیابت حج به جا می آورند.

مسئله ۷۹. کسی که به احرام عمره مفرده محرم شد، تمام چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد، بر او حرام می شود و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید، همه چیز به غیر از زن بر او حلال می شود و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش به جا آورد، زن هم بر او حلال می شود.

مسئله ۸۰. در عمره مفرده طواف نساء، باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورده شود؛ مگر به ضرورت.

مسئله ۸۱. کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد، اگر احرامش در ماه های حج بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن، حج تمتع به جا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می شود.

صورت اجمالی حج تمتع

حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی «عمره تمتع»، و دیگری «حج تمتع» و عمره تمتع بر حج مقدم است. عمره تمتع دارای پنج جزء است:

۱. احرام؛
۲. طواف کعبه؛
۳. نماز طواف؛
۴. سعی بین کوه صفا و مروه؛
۵. تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

زمانی که محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام حرام شده بود، حلال می شود.

و حج تمتع دارای سیزده عمل است:

۱. احرام بستن در مکه؛
۲. وقوف در عرفات؛
۳. قوف به مشعر الحرام؛
۴. انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی؛

۵. قربانی در منی؛
۶. تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی؛
۷. طواف زیارت در مکه؛
۸. دو رکعت نماز طواف؛
۹. سعی بین صفا و مروه؛
۱۰. طواف نساء؛
۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء؛
۱۲. ماندن در منی، شب یازدهم و شب دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص؛
۱۳. در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند، روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعد ذکر می‌شود.

مسئله ۸۲. لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند؛ هرچند اجمالی؛ بنابراین کافی است که شخص نیت عمره تمتع و حج تمتع کند؛ یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، هر چند احتیاط مستحب در یاد گرفتن اجمالی آن است.

بخش اول: اعمال عمره تمتع

فصل اول: محلّ احرام عمره تمتع

مسئله ۸۳. محل احرام بستن برای عمره تمتع، که آن را میقات می‌نامند، با توجه به راههایی که حجاج از آنها به طرف مکه می‌روند، مختلف است و آن پنج محل است:

۱. مسجد شجره؛ که آن را «ذُوالْحَلِیْفَه» می‌نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند.

مسئله ۸۴. جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تا میقات اهل شام تأخیر بیندازد.

مسئله ۸۵. احتیاط مستحب آن است که در داخل مسجد شجره قسمت قدیم آن محرم شود نه خارج آن؛ اما مسجد شجره نماد مکان احرام است، اگر خارج مسجد نیز محرم شد، اشکال ندارد و در صورت ضرورت می تواند در محاذی و موازات مسجد نیز محرم شود.

مسئله ۸۶. شخص جنب و حیض می تواند در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند.

مسئله ۸۷. اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و آب برای غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.

مسئله ۸۸. اگر حیض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن احرام را تجدید کند.

۲. وادی عقیق؛ که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می گویند که محل احرام عامه است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند.

۳. قرن المنازل؛ که آن میقات کسانی است که از راه طائف به حج می روند.

۴. یَلْمَلَمْ؛ که اسم کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن می روند.

۵. جُحْفَه؛ که آن میقات کسانی است که از راه شام می روند.

مسئله ۸۹. اگر بیّنه شرعیه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست و اگر تحصیل علم و بیّنه ممکن نبود می تواند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان ها می باشند، اکتفا کند. بنابراین هر جور که بتواند اطمینان پیدا کند، کافی است.

مسئله ۹۰. هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقات ها عبورش نیفتد، باید از محاذات میقات احرام ببندد.

مسئله ۹۱. اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می کند احتیاط واجب آن است که از جایی که اول، محاذات پیدا می کند احرام ببندد و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام نیاز نیست.

مسئله ۹۲. کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و لزومی ندارد که در محاذات، تجدید احرام کنند.

مسأله ۹۳. شخص مستطیع اگر احرام از میقات را از روی علم و عمد تأخیر بیندازد و به واسطه عذری امکان برگشتن به میقات نباشد و میقات دیگری نیز در پیش نداشته باشد، حج او باطل است، و باید سال دیگر حج به جا آورد.

مسأله ۹۴. کسانی که با هواپیما به حج می‌روند و می‌خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، باید به میقات (جده) روند و از آنجا محرم شوند و اگر نتوانستند، نذر کنند و به محاذی مواقیت محرم شوند یا اینکه از فرودگاه مبدأ محرم شوند.

مسأله ۹۵. مراد از «محاذات» آن است که کسی که به طرف مکه می‌رود، به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست؛ به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

مسأله ۹۶. کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد؛ ۱. اگر برگشتن به میقات و انجام اعمال عمره ممکن بود، واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد؛ چه داخل حرم شده باشد یا نه؛ ۲. اگر برگشتن ممکن نیست؛ ۱. پس اگر داخل حرم نشده، از همان جا احرام ببندد و احتیاط مستحب آن است که به هر مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و از آنجا محرم شود. ۲. اگر داخل حرم شده؛ (أ) اگر امکان دارد و به اعمال عمره می‌رسد، واجب است از حرم خارج شود و محرم گردد، (ب) اگر امکان ندارد، همانجا محرم شود و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می‌تواند به طرف خارج حرم برگردد و از آنجا محرم شود.

مسأله ۹۷. جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است، احرام ببندد جایز است و باید از همان جا محرم شود؛ مثلاً اگر نذر کرد که از شهر خودش محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به با رسیدن به میقات یا محاذات آن، تجدید احرام کند.

مسأله ۹۸. جایز نیست از روی اختیار احرام را از میقات تأخیر بیندازد، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات، بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسئله ۹۹. اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت ما فی الذمه کند، اعمالی که خودش می‌تواند را انجام دهد و هر چه نمی‌تواند نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۰. کسانی که با هواپیما به جده می‌روند می‌توانند از جده محرم شوند یا نذر کنند، هر چند بهتر است به یکی از مواقیت، مثل جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین اینکه قصد عمره تمتع یا مفرده داشته باشند، نیست.

مسئله ۱۰۱. کسی که در غیر ماه‌های حج به مکه رفته و عمره مفرده به‌جا آورده و تا ماه‌های حج برای احرام عمره تمتع در مکه مانده (همانند شاغلین در جده؛ از ایرانیان و غیر آنها)، بنا بر احتیاط واجب باید به یکی از مواقیت پنج گانه معروفه برود و اگر به عللی از رفتن به میقات معذور باشد، از ادنی الحل یا حرم، محرم شود.

مسئله ۱۰۲. خدمه کاروان‌ها که می‌خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنا بر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا برای عمره مفرده مُحرم شوند. وادَئِی الحِلِّ، میقات این اشخاص نیست، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می‌توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید برای عمره مفرده ی دیگر در مسجد شجره مُحرم شوند و چون بین این عمره مفرده و عمره مفرده اول یک ماه فاصله نشده، عمره دوم را رجاءاً به‌جا آورند و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جحفه بروند و از آنجا برای عمره تمتع مُحرم شوند.

فصل دوم: واجبات احرام

مسئله ۱۰۳. واجبات در وقت احرام سه چیز است:

۱. نیت؛ یعنی انسان در حالی که می‌خواهد محرم به احرام عمره تمتع شود، نیت کند و لازم نیست ترک محرّماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می‌شود را قصد کند؛ بلکه کسی که به قصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک‌های واجب را گفت، محرم می‌شود؛ چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک

محرمات را یا نکند؛ بنابراین کسی که می‌داند بعضی از محرمات را انجام می‌دهد؛ مثل زیر سایه رفتن، احرام او صحیح است.

مسئله ۱۰۴. آنچه ذکر شد که: لازم نیست قصد ترک محرمات را کند، در غیر آن محرماتی است که عمره یا حج را باطل می‌کند؛ مثل اکثر محرمات و اما آنچه عمره یا حج را باطل می‌کند؛ مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد، پس با قصد ارتکاب آن، احرام باطل است.

مسئله ۱۰۵. عمره و حج و اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورده شود. همچنین بهتر است در انجام عمره و حج، شخص ریا نکند، اما اگر عملی به ریا انجام شد، گرچه عملش صحیح است و گناه کرده اما بهتر است جبران کند.

مسئله ۱۰۶. اگر به واسطه ندانستن مسئله یا جهت دیگر، به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند، پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه به جا می‌آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش حج تمتع است عمل او صحیح و عمره تمتع است.

مسئله ۱۰۷. اگر به واسطه ندانستن مسئله یا جهت دیگر، گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم اینکه پس از احرام برود به عرفات و مشعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد، احرام او باطل نیست؛ زیرا شک در تطبیق است که با التفات و توجه درست می‌شود.

۲. تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن، به این صورت که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پس از آنکه چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شده گفت، بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند، پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». و مستحب است بعد از آن بگوید: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ». و این جملات را نیز بگوید: «لَبَّيْكَ،

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لِيَبْكُ بِحِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ لِيَبْكُ، لِيَبْكُ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ لِيَبْكُ،
لِيَبْكُ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لِيَبْكُ، لِيَبْكُ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

مسئله ۱۰۸. صحیح گفتن قدر واجب از لبیک که گذشت، واجب است، همان طور که صحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب است.

مسئله ۱۰۹. اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، یاد نگرفته باشد، باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین دهد؛ یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید. اما اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید، و ترجمه اش را هم بگوید و علاوه بر آن بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

مسئله ۱۱۰. اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر نتواند برگردد و داخل حرم نشده است، همان جا بگوید، و اگر داخل حرم شده، واجب است به ادنی الحل (تنعیم) برگردد و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر ممکن نیست همانجا محرم شود و لبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد، عملش صحیح است.

مسئله ۱۱۱. اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می شود به جا آورد، کفاره ندارد و همچنین بنا بر احتیاط مستحب اگر لبیک را به ریا بگوید.

مسئله ۱۱۲. اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید، فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

مسئله ۱۱۳. واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار و زیاد گفتن آن هر چقدر که می تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا فقط «لَبَّيْكَ» را تکرار کند.

مسئله ۱۱۴. احتیاط واجب آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد، وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید و مراد از خانه‌های مکه خانه‌هایی است که در زمانی که عمره به جا می‌آورد، جزو مکه باشد؛ هر چند وسعت مکه زیاد شود و بنا بر احتیاط واجب کسی که احرام حج بسته لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

۳. پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بیوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسئله ۱۱۵. در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، همچنین لازم نیست که لنگ، ناف و زانو را بیوشاند؛ این که به نحو متعارف باشد کفایت می‌کند، ولی مستحب است که ناف و زانو و همچنین رداء شانه‌ها را بیوشاند.

مسئله ۱۱۶. احتیاط واجب آن است که در حال اختیار به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند، اکتفا نکند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

مسئله ۱۱۷. در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت و قصد اطاعت امر الهی کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

مسئله ۱۱۸. شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس جامه حریر و غیر ماکول و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد، کفایت نمی‌کند.

مسئله ۱۱۹. لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد، به طوری که بدن نما باشد و احتیاط مستحب آن است که رداء هم بدن نما نباشد.

مسئله ۱۲۰. پوشیدن لنگ و رداء مخصوص به مرد نیست و زن هم مستحب است که بیوشد، هر چند که زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو که هست محرم شود؛ چه دوخته باشد یا نباشد، اما احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نباشد.

مسئله ۱۲۱. احتیاط مستحب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام، این دو جامه نجس شود، تطهیر یا تبدیل نماید و احتیاط مستحب مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام، اگر نجس شود، اما اگر تطهیر نکند، کفاره ندارد.

مسئله ۱۲۲. احتیاط مستحب آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده، وقتی که برای طواف وارد مکه می‌شود، همان جامه‌ای را که در آن محرم شده است بپوشد.

مسئله ۱۲۳. اگر محرم به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن نیاز پیدا کرد، می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد، لیکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد و احتیاط آن است که پشت و رو نیز بکند و پیراهن را به دوش بیندازد و نپوشد. اما اگر اضطرار رفع نمی‌شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می‌تواند بپوشد.

مسئله ۱۲۴. لازم نیست جامه احرام را همیشه در برداشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

مسئله ۱۲۵. شخص محرم می‌تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

مسئله ۱۲۶. اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا در حالی که می‌خواهد محرم شود لباس دوخته بپوشد، معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

مسئله ۱۲۷. گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزند و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست و سنگ در جامه احرام گذاشتن و بانخ بستن نیز جایز است.

مسئله ۱۲۸. در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، شرط نیست، بنابراین جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حیض و نفاس مستحب است.

مستحبات احرام

مسئله ۱۲۹. مستحبات احرام چند چیز است:

۱. آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و سبیل خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲. کسی که از اول ماه ذی قعدة قصد حج دارد و شخصی که قاصد عمره مفرده است بیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳. آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حیض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴. آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵. آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد، در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر؛ اعم از قضا و غیر آن و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به‌جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ، وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقْوِينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مَنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضِيَتْ وَ سَمِيَتْ وَ كَتَبَتْ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ انْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَانْ عَرِّضْ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِن لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، ابْتِغَاءً بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.»

۶. هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوْدِي فِيهِ فَرْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهَى فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۷. آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند؛ خصوصاً در موارد زیر:

- وقت برخاستن از خواب؛
- بعد از هر نماز واجب و مستحب؛
- هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن؛
- وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛
- آخر شب؛
- اوقات سحر.

مکروهات احرام

مسأله ۱۳۰. مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامه سیاه، و بهتر این است که در جامه سفید احرام ببندد؛
۲. خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ؛
۳. احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید. البته اگر لباس چرکین را تبدیل کرد، استحباب دارد؛
۴. احرام بستن در جامه راه راه؛
۵. استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند؛
۶. حمام رفتن، همچنین بهتر است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید؛
۷. لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

فصل سوم: محرمات احرام

مُحَرَّمَاتُ احرام از قرار ذیل است؛

۱. شکار صحرایی حیوانی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس از آزار آن داشته باشد.

مسئله ۱۳۱. خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است؛ چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

مسئله ۱۳۲. نشان دادن شکار به شکارچی و کمک کردن به او به هر نحوی حرام است.

مسئله ۱۳۳. اگر محرمی صید را ذبح کند در حکم میتة خواهد بود؛ البته در صورت ارتکاب تنها معصیت کرده است، اما خوردن گوشت آن برای خود و دیگران اشکالی ندارد.

مسئله ۱۳۴. شکار دریایی مانع ندارد و آن حیوانی است که تولد و رشد آن هر دو در دریا باشد.

مسئله ۱۳۵. ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

مسئله ۱۳۶. پرنندگان، جزو شکار صحرایی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرایی است.

مسئله ۱۳۷. احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد، اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

مسئله ۱۳۸. نگاه داشتن صید حرام است، اگر چه خودش مالک آن باشد.

مسئله ۱۳۹. اگر پرنده‌ای که نزد او است «پر» در نیاورده یا پر او را چیده‌اند، واجب است آن را حفظ کند تا پر در آورد و آن را رها کند، بلکه واجب باشد حفظ بچه صید را؛ مثل آهو بره، تا بزرگ شود و آن را رها کند.

مسئله ۱۴۰. هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

۲. جماع کردن با زن و بوسیدن و با دست بازی کردن و نگاه به شهوت هر چند در فضای مجازی، بلکه

هر نحو لذت و تمتعی بردن.

مسئله ۱۴۱. اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد، با زن، چه در قُبُل و چه در دُبُر و یا با مرد جماع کند، عمره‌اش باطل نمی‌شود اما موجب کفاره است که بیان آن می‌آید و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به‌جا آورد و اگر وقت تنگ است حج افراد به‌جا آورد و بعد از آن عمره مفرده به‌جا آورد و احتیاط مستحب آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.

مسئله ۱۴۲. اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود کفاره بر او واجب می‌شود و کفاره بنا بر احتیاط واجب یک شتر است؛ چه ثروتمند باشد یا نباشد.

مسئله ۱۴۳. اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد به جا آورد، چه قبل از وقوف در عرفات بوده و چه بعد از آن، حج او فاسد است و باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج به جا آورد و در هر دو صورت کفاره آن یک شتر و در صورت عجز گوسفند و در صورت عجز استغفار کند و باید زن و شوهر از یکدیگر نیز جدا شوند.

مسئله ۱۴۴. اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر است و اگر بدون شهوت ببوسد مانند بوسه محارم، چیزی بر او نیست.

مسئله ۱۴۵. اگر عمداً به غیر زن خود نگاه کند و انزال صورت گیرد، احتیاط آن است که اگر می‌تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی‌تواند یگ گوسفند کفاره بدهد. همچنین اگر محرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند و انزال صورت گیرد نیز همان کفاره را دارد، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد.

مسئله ۱۴۶. اگر کسی با زن دست بازی کند و منجر به شهوت و انزال نشود، یک گوسفند کفاره آن است و اگر انزال شود، احتیاط آن است که یک شتر کفاره بدهد.

مسئله ۱۴۷. هر یک از این امور که موجب کفاره است، اگر با جهل به مسئله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود، به عمره و حج او ضرر نمی‌رساند و بر شخص کفاره نیست.

مسئله ۱۴۸. اگر مردی با زن خود که مُحرم است، از روی اجبار جماع کند، بر زن چیزی نیست و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست و مرد باید کفاره خودش را بدهد.

۳. عقد کردن زن برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا مُحَلِّ باشد.

مسئله ۱۴۹. جایز نیست شخص محرم برای عقد شاهد شود، گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد.

مسئله ۱۵۰. احتیاط آن است که بر عقد شهادت ندهد، اگر چه در حال محرم نبودن شاهد عقد شده باشد.

مسئله ۱۵۱. خواستگاری کردن در حال احرام جایز است، اما احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسئله ۱۵۲. رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده شده است، مانع ندارد.

مسئله ۱۵۳. اگر زنی را در حال احرام با علم به مسئله برای خود عقد کند، بنا بر احتیاط واجب آن زن بر او حرام دائمی می‌شود. اما اگر زنی را با جهل به مسئله برای خود عقد کند، عقدی که کرده است باطل است، لیکن حرام دائمی نمی‌شود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد؛ خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد. در این حکم فرقی بین عقد دائم و موقت نیست.

مسئله ۱۵۴. احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و او را عقد کند، با او نزدیکی نکند و او را طلاق دهد و در صورت علم به مسئله، او را طلاق دهد و هیچ وقت با او ازدواج نکند.

مسئله ۱۵۵. اگر کسی زنی را برای محرمی عقد کند و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم باشند بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است و اگر دخول نکند کفاره نیست و در این حکم فرقی نیست بین آنکه زن و عاقد مُحِلِّ باشند یا محرم و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند؛ بر آنکه می‌داند کفاره است.

۴. استمناء؛ یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به هر نحو که باشد؛ به دست یا غیر آن، چه با خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر.

مسئله ۱۵۶. اگر کسی استمناء کرد و منی از او خارج شد، کفاره آن یک شتر است و احتیاط واجب آن است که استمناء نیز همانند جماع موجب بطلان باشد.

۵. استعمال عطریات؛ از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر.

مسئله ۱۵۷. مالیدن عطر بر بدن و لباس و پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد، جایز نیست اگر چه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

مسئله ۱۵۸. خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد؛ مثل زعفران، بنا بر احتیاط جایز نیست.

مسئله ۱۵۹. اگر اضطرار به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد پیدا کرد، باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسأله ۱۶۰. محرم باید از گل‌ها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهد اجتناب کند، مگر بعضی از انواع سبزیجات صحرائی مثل؛ «بومادران»، «درمنه» و «خزومی».

مسأله ۱۶۱. احتیاط آن است که از «دارچین» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند.

مسأله ۱۶۲. از میوه‌های خوشبو؛ از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست و خوردن و بوییدن آنها مانع ندارد، لیکن احتیاط آن است که بوییدن را ترک کند.

مسأله ۱۶۳. گرفتن دماغ از بوی بد حرام است، اما فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

مسأله ۱۶۴. خرید و فروش عطریات اشکال ندارد، اما نباید آنها را برای امتحان بو یا استعمال کند.

مسأله ۱۶۵. کفاره استعمال بوی خوش بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

مسأله ۱۶۶. استعمال خلوق کعبه (آن چیزی که کعبه را با آن خوش بو می‌کنند) حرام نیست.

مسأله ۱۶۷. اگر بوی خوش را مکرر در وقت واحد استعمال کرد، احتیاط واجب در تعدد کفاره است، و اگر در اوقات متعدد استعمال کرد، احتیاط در تعدد کفاره است و اگر بعد از استعمال، کفاره داد و دوباره استعمال کرد، واجب است که دوباره نیز کفاره بدهد.

۶. پوشیدن چیز دوخته؛ مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

مسأله ۱۶۸. احتیاط آن است که از پوشیدن چیزهایی که شبیه به دوخته است؛ مثل پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نم‌به شکل بالاپوش می‌ماند؛ مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، اجتناب کند.

مسأله ۱۶۹. پوشیدن کمر بند دوخته و شب کلاه اشکال ندارد.

مسأله ۱۷۰. کیفی را که در آن پول می‌گذارند، اشکال ندارد به کمر ببندد؛ هر چند دوخته باشد.

مسأله ۱۷۱. فتق بندی که دوخته شده است، به جهت ضرورت جایز است بسته شود، لیکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.

مسئله ۱۷۲. اگر محرم به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد، جایز است بپوشد، ولی باید کفاره بدهد؛ هر چند که به اضطراب پوشیده باشد.

مسئله ۱۷۳. جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر، وصل کند، گرچه احتیاط در ترک است.

مسئله ۱۷۴. برای زنها جایز است لباس دوخته، هر قدر می‌خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زنهای عرب در آن پنبه می‌گذاشتند و برای حفظ از سرما دست می‌کردند.

مسئله ۱۷۵. کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

مسئله ۱۷۶. اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل پیراهن و قبا و عبا، برای هر یک باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

مسئله ۱۷۷. اگر یک قسم لباس بپوشد، مثل پیراهن، و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

مسئله ۱۷۸. احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده، برای هر یک کفاره بدهد.

۷. سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد نیز حرام است.

مسئله ۱۷۹. حرام بودن سرمه کشیدن، به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

مسئله ۱۸۰. در سرمه کشیدن کفاره نیست؛ اما اگر در سرمه بوی خوش باشد، احتیاط در کفاره دادن است.

مسئله ۱۸۱. در صورتی که به سرمه کشیدن احتیاج داشته باشد، مانعی ندارد.

۸. نگاه کردن در آینه به قصد دیدن خود.

مسئله ۱۸۲. در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مسئله ۱۸۳. نگاه کردن به اجسام صاف و صیقل داده شده که تصویر در آن پیداست به شرط آنکه صدق آینه نکند و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

مسئله ۱۸۴. عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست.

مسئله ۱۸۵. نگاه کردن به آینه کفاره ندارد؛ اما مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مسئله ۱۸۶. اگر در اطای که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد، لیکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مسئله ۱۸۷. نگاه کردن به آینه اگر برای زینت نباشد، اشکال ندارد؛ مانند اینکه راننده به جهت مراعات مسائل رانندگی در آینه نگاه کند.

۹. پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند.

مسئله ۱۸۸. این حکم مختص به مردان است و برای زن مانعی ندارد.

مسئله ۱۸۹. اگر مرد به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد نیاز پیدا کند، احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

مسئله ۱۹۰. پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد، کفاره ندارد.

۱۰. فسوق

مسئله ۱۹۱. فسوق، اختصاص به دروغ گفتن ندارد بلکه فحش دادن و فخر فروختن نیز فسوق است. فسوق کفاره ندارد، فقط باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

۱۱. جدال؛ و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

مسئله ۱۹۲. گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات، مرادف آن؛ مثل «نه» و «آری»، دخالتی در جدال ندارد؛ بلکه قَسَم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ دیگری، جدال است.

مسئله ۱۹۳. قَسَم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن؛ مثل «خدا» در زبان فارسی، جدال است، اما قَسَم به غیر خدا، به هر کسی باشد، ملحق به جدال نیست.

مسأله ۱۹۴. سایر اسماء الله به لفظ جلاله ملحق است، پس اگر کسی قَسَم بخورد به «رحمان» و «رحیم» و «خالق سماوات و ارض»، بنا بر احتیاط واجب جدال محسوب می‌شود.

مسأله ۱۹۵. در مقام ضرورت، برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است به لفظ جلاله و غیر آن قَسَم بخورد.

مسأله ۱۹۶. اگر در جدال راستگو باشد، در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه و بیش از آن باید کفاره بدهد که یک گوسفند است؛ مگر آنکه بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر به راست جدال کند، باید یک گوسفند دیگر ذبح کند.

مسأله ۱۹۷. اگر در جدال دروغگو باشد، احتیاط واجب آن است که در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم، یک گاو و در مرتبه سوم، یک شتر کفاره دهد.

مسأله ۱۹۸. اگر در جدال به دروغ، در دفعه اول یک گوسفند ذبح کرد، اگر بعد از آن دوباره به دروغ جدال کند، کفاره آن یک گوسفند است. همچنین اگر در جدال به دروغ، دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد و دوباره به دروغ جدال کرد، یک گوسفند کفاره است و اگر بعد از ذبح گاو، دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد یک گاو کفاره آن است.

مسأله ۱۹۹. اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفاره یک شتر است، مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادتر، کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است.

۱۲. کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند؛ مثل شپش و کک و کنه که در بدن حیوان است.

مسأله ۲۰۰. انداختن شپش و کک از بدن جایز نیست.

مسأله ۲۰۱. منتقل کردن آن از مکانی که محفوظ است به جایی که از بین برود جایز نیست و احتیاط آن است که به محلی که در معرض افتادن است، نقل ندهد.

مسأله ۲۰۲. احتیاط مستحب است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند؛ اگر مکان اول محفوظ تر باشد.

مسأله ۲۰۳. کشتن یا انتقال دادن، کفاره ندارد، اما احتیاطاً یک کف از طعام صدقه بدهد.

۱۳. انگشتر به دست کردن؛ به جهت زینت، اما به جهت استحباب یا خاصیت آن اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۴. احتیاط واجب آن است که محرم «حنا» برای زینت نیندد، بلکه اگر زینت باشد هر چند قصد نکند، احتیاط در ترک است.

مسئله ۲۰۵. اگر قبل از احرام «حنا» ببندد، چه به قصد زینت باشد یا نباشد؛ چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند، اشکال ندارد؛ هر چند احتیاط بهتر است.

مسئله ۲۰۶. انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

۱۴. پوشیدن زیور برای زن به جهت زینت.

مسئله ۲۰۷. اگر زیور زینت باشد، احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد.

مسئله ۲۰۸. زیورهایی را که عادت به پوشیدن آن داشته، لازم نیست قبل از احرام بیرون آورد؛ اما نباید به مرد حتی به شوهر خود نشان دهد.

مسئله ۲۰۹. پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

۱۵. روغن مالیدن به بدن.

مسئله ۲۱۰. مالیدن روغن به بدن حرام است؛ اگر چه بوی خوش در آن نباشد.

مسئله ۲۱۱. جایز نیست روغنی که بوی خوشش تا وقت احرام باقی می ماند را استعمال کند.

مسئله ۲۱۲. اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد، عیبی ندارد.

مسئله ۲۱۳. خوردن روغن مانع ندارد؛ اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

مسئله ۲۱۴. اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست، اما اگر در آن بوی خوش باشد، کفاره آن یک گوسفند است؛ اگر چه از روی اضطرار باشد.

۱۶. ازاله مو از بدن خود یا غیر خود؛ چه آن فرد محرم باشد چه محل.

مسئله ۲۱۵. در حرمت ازاله مو، فرقی نیست میان کم و زیاد؛ حتی یک تار مو، همچنین فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

مسأله ۲۱۶. ازاله مو، اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد؛ مثل زیادی شپش و دردسر و موی چشمی که اذیت می‌کند.

مسأله ۲۱۷. اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصد، کنده شود اشکال ندارد.

مسأله ۲۱۸. کفاره سر تراشیدن، اگر به جهت ضرورت باشد، دوازده «مُد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند و «مُد» یک چارک (ده سیر) است. اما اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۱۹. اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند، باید یک گوسفند ذبح کند، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند، یک گوسفند کفاره دهد.

مسأله ۲۲۰. احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را به غیر تراشیدن ازاله کند، کفاره تراشیدن را بدهد.

مسأله ۲۲۱. اگر به سر یا ریش خود دست بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد یا استغفار کند.

۱۷. به هر چیزی که مرد سر خود را بپوشاند.

مسأله ۲۲۲. احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی غیر پوششی هم نپوشاند؛ مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها. همچنین چیزی بر سر نگذارد؛ مثل بار برای حمل، که سر به آن پوشیده شود.

مسأله ۲۲۳. گوش‌ها جزء سر محسوب است؛ پس نباید آنها را پوشانید.

مسأله ۲۲۴. جایز نیست سر را زیر آب و هر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن، کند.

مسأله ۲۲۵. بعضی سر در حکم سر است، پس نباید بعضی سر را هم بپوشاند؛ نه زیر آب یا مایع دیگری کند. اما جایز است به بعضی بدن خود، سر را بپوشاند؛ مثل آنکه دست‌ها را روی سر بگذارد، لیکن احتیاط در ترک آن نیز هست.

مسأله ۲۲۶. پوشانیدن صورت برای مردان، گذاشتن بند خیک آب بر سر، دستمالی که برای سردرد به سر می‌بندند، گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن، رفتن در پشه بند، اشکالی ندارد.

مسأله ۲۲۷. زیر دوش حمام رفتن برای مُحْرَم مانع ندارد، لیکن زیر آبخاری که سر را فرو گیرد جایز نیست. اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند و بعضی سر نیز در حکم کل سر است.

مسأله ۲۲۸. در وقت خوابیدن، مرد نباید سر خود را بپوشاند و اگر بدون التفات یا از روی فراموشی بپوشاند باید فوراً آن را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید.

مسأله ۲۲۹. اگر سر را به هر نحو بپوشاند؛ کفاره آن یک گوسفند است و بنا بر احتیاط واجب این کفاره برای بعضی سر نیز می باشد.

مسأله ۲۳۰. احتیاط آن است که اگر مکرر سر را بپوشاند، مکرر کفاره بدهد؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است. همچنین اگر سر را بپوشاند و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را بپوشاند، احتیاط در کفاره دادن دوباره است.

مسأله ۲۳۱. کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد.

۱۸. پوشانیدن زن روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

مسأله ۲۳۲. پوشانیدن تمام صورت یا بعضی آن بنا بر احتیاط جایز نیست؛ اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد؛ مثل پوشال و گل و بادبرن و چیزهای دیگر.

مسأله ۲۳۳. اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد یا صورت خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد، اشکالی ندارد.

مسأله ۲۳۴. واجب است برای نماز سر را بپوشاند و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، اما باید بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

مسأله ۲۳۵. جایز است برای رو گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر افکنده تا محاذی بینی یا چانه بلکه در صورت احتیاج تا گردن پایین بیندازد، اما بهتر است چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد، با دست یا چیز دیگر دور از صورت نگه دارد که به صورت نجسبند.

مسئله ۲۳۶. برای نقاب انداختن و پوشاندن صورت، به هر نحو که باشد، کفاره لازم نیست، هر چند اگر کفاره دهد بهتر است.

۱۹. سایه قرار دادن مرد بالای سر خود در زمان طمی مسیر؛ چه سواره چه پیاده

مسئله ۲۳۷. برای مردان سایه قراردادن جایز نیست، اما برای زن‌ها و بچه‌ها جایز است و کفاره هم ندارد.

مسئله ۲۳۸. حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر، مختص به زمانی است که در راه می باشد، اما در محلی که اسکان کرد؛ چه در منی یا غیر آن، زیر سایه رفتن مانع ندارد. همچنین با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن اشکال ندارد؛ پس مانعی ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می کنند یا محلی که رمی جمرات می کنند با چتر برود؛ گرچه احتیاط مستحب ترک آن در حال راه رفتن است. همچنین اگر ماشین از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار محرمین از زیر پل‌ها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محرمین زیر سقف قرار گیرند، اشکالی پیدا نمی شود و کفاره ندارد.

مسئله ۲۳۹. کسانی که از تهران یا هر جای دیگر برای احرام نذر کرده اند، باید از همانجا محرم شوند و نذر آنها صحیح است و حتی الامکان باید از راهی بروند که در طول مسیر زیر سایه قرار نگیرند و اگر راه دیگری برای طی کردن مسیر جز با هواپیما نباشد، در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آنکه خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است و باید برای زیر سقف بودن در حال طی مسیر کفاره نیز بدهند.

مسئله ۲۴۰. کسانی که می خواهند با هواپیما به مکه بروند، لازم است با هواپیما به مدینه بروند و از آنجا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جده به قصد رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و از آنجا محرم شوند و با اتومبیلی روی پوش به مکه معظمه بروند، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت، از جده محرم شوند و بهتر آن است که در «حده» هم که بین جده و مکه است، تجدید احرام کنند.

مسئله ۲۴۱. نشستن در زیر سقف در حال طی مسیر در شب خلاف احتیاط است؛ اگر چه جایز است نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند.

مسئله ۲۴۲. کسانی که در حال احرام کشتی سوار می شوند، زیر سقف آن نباید بروند، لیکن در کنار دیوار کشتی که سایه است، نشستن جایز است.

مسئله ۲۴۳. زیر سایه قرار گرفتن محرم در وقت طی مسیر برای عذری؛ مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، اما باید کفاره بدهد.

مسئله ۲۴۴. بنابر احتیاط واجب کفاره سایه قرار دادن در حال طی مسیر یک گوسفند است؛ چه با عذر چه با اختیار سایه افکنده باشد. در صورت تعدد سایه قرار دادن همان یک گوسفند برای کفاره کفایت می کند.

بیرون آوردن خون از بدن خود

مسئله ۲۴۵. بیرون آوردن خون از بدن دیگری؛ مثل حجامت کردن یا دندان کشیدن حرام نیست.

مسئله ۲۴۶. خراشیدن بدن یا مسواک نمودن به شرطی که خون از آن بیرون آید، جایز نیست.

مسئله ۲۴۷. جایز است در حال احتیاج برای حجامت و غیر آن خون بگیرند و همین طور در حال ضرورت خون دمل را بیرون آوردن و جرب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون در آید. تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می شود تزریق نکند، مگر در موقع ضرورت.

مسئله ۲۴۸. خون از بدن در آوردن کفاره ندارد.

۲۰. ناخن گرفتن؛ چه دست چه پا

مسئله ۲۴۹. جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار شود؛ مثل آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

مسئله ۲۵۰. فرقی بین آلات ناخن گیری نیست، فیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر و احتیاط واجب آن است که به هیچ وجه، حتی با سوهان و دندان ناخن را نکند.

مسئله ۲۵۱. بنابر احتیاط اگر انگشت یا دست زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد.

مسئله ۲۵۲. اگر یک ناخن از دست یا پا را بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همچنین در ناخن های پا. اگر تمام ناخن دست ها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است. اگر ناخن دست ها را تماماً بگیرد، در یک مجلس یا چند مجلس، و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است. اگر تمام ناخن دست ها را بگیرد و ناخن پاها را

کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مد طعام باید بدهد و همچنین اگر همه ناخن پاها را بگیرد و ناخن دست‌ها را کمتر از ده بگیرد. اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست، برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد و همچنین است اگر کمتر از ده، در هر یک از دست و پا بگیرد. اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد، پس اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی برای هر کدام یک مد طعام بدهد. اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد، ده ناخن اصلی را بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند بدهد و اگر بعضی از ناخن‌های اصلی را و بعضی از ناخن‌های زیادی را بگیرد برای ناخن‌های اصلی یک مد بدهد و برای زیادی‌ها احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد. اگر تمام ناخن‌های دست را گرفت و کفاره آن را داد و بعد در همان مجلس ناخن‌های پا را تماماً گرفت باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد. اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر یک، یک مد طعام باید بدهد و احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند ذبح کند.

مسئله ۲۵۳. اگر ناخن گرفتن ضرورت ژیدا کرد، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.

۲۱. کندن دندان است

مسئله ۲۵۴. بنا بر احتیاط کندن دندان هر چند که خون نیاید حرام است و محرم باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۲۲. کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد

مسئله ۲۵۵. اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روییده باشد، بعد از آنکه منزل او شده، پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند، اما اگر خودش آن را نکاشته باشد، احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند. اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است، نباید آن را قطع کند. درخت‌های میوه و درخت خرما و گیاه (اذخر) از این حکم بیرون است و می‌تواند آنها را قطع کند.

مسئله ۲۵۶. اگر تمام درختی را که کندنش جایز نیست، بکند، احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند. اگر بعض درخت را قطع کند، باید قیمت آن را کفاره بدهد. در قطع گیاهان به جز استغفار کفاره ای نیست.

مسئله ۲۵۷. آنچه از قطع درخت و گیاه حرم ذکر شد، مختص به محرم نیست، بلکه برای همه کس ثابت است.

مسئله ۲۵۸. اگر شخص به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود، اشکالی ندارد.

۲۳. بنابراین احتیاط سلاح در برداشتن مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هرچه از آلات جنگ باشد.

مسأله ۲۵۹. اگر ضرورتی باشد حمل سلاح جایز است اما ظاهر ساختن آن کراهت دارد و باید آن را مخفی کند.

مستحباب دخول حرم

مسأله ۲۶۰. مستحبات دخول حرم از قرار ذیل است:

۱. همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم، غسل نماید.
۲. به جهت تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق پابرهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود.
۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: {وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ}. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أُبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ النَّارِ وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴. وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مستحبات دخول مکه معظمه

مسأله ۲۶۱. برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجدالحرام

مسأله ۲۶۲. مستحب است محرم برای دخول مسجدالحرام غسل نماید و با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از باب «بنی شیبیه» وارد شود که در حال کنونی مقابل باب السلام است. و مستحب است بر درب مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَأَحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ تَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لِ) كُفْوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ اسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى».

لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ
أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می‌کند به سوی کعبه و می‌گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمَّنَا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمَّنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ
وَالْعَزَىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ
مَنْ خَلَقَهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَىٰ وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ
وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ
وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد، استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به
آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَىٰ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمَّنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ
وَالْعَزَىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ سُبْحَتِي وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ
الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد، اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

مسئله ۲۶۳. طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن؛ به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

مسئله ۲۶۴. طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است؛ چه عالم و چه جاهل به مسئله باشد. چنین کسی که عمره خود را باطل کرد، احتیاط آن است که حج افراد به‌جا آورد، و پس از آن عمره به‌جا آورد و حج را در سال بعد اعاده کند.

مسئله ۲۶۵. وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به‌جا آورد، نتواند وقوف در عرفات کند.

مسئله ۲۶۶. اگر شخصی از روی سهو طواف را ترک کرده، لازم است آن را هر وقت که باشد به‌جا آورد. اما اگر به محل خود برگشته و نتواند به مکه برگردد یا مشقت داشته باشد، باید نایب بگیرد.

مسئله ۲۶۷. اگر محرم پیش از آنکه طواف را به‌جا آورد، سعی را به‌جا آورده، احتیاط واجب آن است که بعد از طواف و نماز آن، سعی را هم به‌جا آورد و اگر نماز طواف را به‌جا آورده، باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند.

مسئله ۲۶۸. اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند؛ اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و در این صورت باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است، بکنند. اما اگر ممکن نبود باید برای او نایب بگیرند.

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول: چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

۱. نیت؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به‌جا آورد.

مسأله ۲۶۹. نیت را لازم نیست به زبان آورد بلکه همان که بنا دارد این عمل را به جا آورد کفایت می کند. اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج رياء کند، طواف او و هر چه را این گونه به جا آورده باطل است. اما رياء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی شود.

۲. طهارت از حدث اکبر؛ مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر؛ یعنی باید با وضو باشد.

مسأله ۲۷۰. طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است؛ چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب، که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند. در طواف مستحبی طهارت از حدث اکبر و اصغر شرط نیست، لیکن کسی که جنب یا حیض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است.

مسأله ۲۷۱. اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف کند، باطل است؛ چه از روی عمد یا غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.

مسأله ۲۷۲. اگر در اثنای طواف، حدث عارض شود، اگر پس از تمام شدن دور چهارم است، باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند. اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث اصغر عارض شود، احتیاط مستحب آن است که طواف را تمام کند و دوباره اعاده کند. اما اگر در اثنای طواف حدث اکبر؛ مثل جنابت یا حیض عارض شود، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود، پس از غسل بنا بر احتیاط مستحب طواف را به نیت مافی الذمه اعاده کند.

مسأله ۲۷۳. اگر محرم برای وضو و غسل عذر داشته باشد، باید بدل از وضو و غسل، تیمم کند.

مسأله ۲۷۴. اگر محرم بدل از غسل تیمم کرد و حدث اصغر عارض شد، تنها باید برای حدث اصغر تیمم کند و تا حدث اکبر دیگری برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

مسأله ۲۷۵. احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد عذرش برای وضو یا غسل مرتفع شود، صبر کند تا وقتی که وقت تنگ یا امیدش قطع شود.

مسأله ۲۷۶. اگر از حدث اکبر و اصغر پاک بوده، شک کند که حدث عارض شده است یا نه، به شک خود اعتنا نکند و بنا بر طهارت بگذارد.

مسئله ۲۷۷. اگر مُحَدِّث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسئله ۲۷۸. اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به جا آورده یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعد باید تحصیل طهارت کند.

مسئله ۲۷۹. اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه، پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا تتمه طواف را به جا آورد و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است احتیاط مستحب آن است که طواف را تمام و اعاده کند. همچنین اگر در اثنای طواف شک کند که غسل کرده یا نه، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد و الاً بعد از غسل طواف را اعاده کند و احتیاط مستحب آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.

مسئله ۲۸۰. اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند، موجود نباشد، حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که اگر جنب و حیاض و نساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسل‌هایی که بر او لازم است می‌تواند وارد مسجدالحرام شود و طواف کند، بنابراین به احتیاطی که در غیر جنب و حیاض و نساء گفته شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجدالحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

۳. طهارت بدن و لباس از نجاست؛

مسئله ۲۸۱. احتیاط واجب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن بتوان نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب حتی انگشترِ نجس - اجتناب کند.

مسئله ۲۸۲. در خون قروح و جروح، تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد، باید تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسئله ۲۸۳. احتیاط مستحب آن است که تا حدی که می‌تواند بی مشقت لباس و بدن را تطهیر کند، طواف را به تأخیر بیندازد، این کار را بکند به شرطی که وقت تنگ نشود.

مسئله ۲۸۴. اگر بعد از آن که طواف کرد، علم به نجاست پیدا کرد، طوافش صحیح است. اما اگر شک داشته باشد که لباس یا بدنش نجس است، اگر نداند که پیش از این پاک بوده یا نه، می‌تواند با آن حال طواف کند و صحیح است، اما اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، اول باید تطهیر کند و بعد طواف کند.

مسئله ۲۸۵. اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند.

مسئله ۲۸۶. اگر نجاست را فراموش کند و در بین یا آخر طواف یادش بیاید، بنا بر احتیاط واجب باید آن را اعاده کند.

۴. ختنه کردن؛ در حق مردان و این شرط در زنها نیست و احتیاط واجب آن است که درباره بچه‌های نابالغ مراعات شود.

مسئله ۲۸۷. اگر بچه‌ای که ختنه نشده را از روی اختیار یا اجبار محرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست اما چون طواف نساء او باطل است بنا بر احتیاط زن بر او حلال نمی‌شود مگر آن که او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش طواف کند، یا آن که برای او نایب بگیرند.

۵. ستر عورت

مسئله ۲۸۸. اگر فردی بدون ساتر عورت طواف کند، باطل است. همچنین ساتر باید مباح باشد یعنی غضبی نباشد؛ پس با ساتر غضبی طواف صحیح نیست و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.

مسئله ۲۸۹. احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند؛ یعنی در بین دورهای طواف آنقدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

قسم دوم؛ چیزهایی که داخل در حقیقت طواف است؛ اگرچه بعضی از آنها برای طواف نیز شرط است و آن هفت چیز است:

۱. طواف را از حجرالأسود شروع کند

مسأله ۲۹۰. آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود: از حجرالأسود شروع به طواف کرد، و به همان جا ختم کرد؛ بنابراین رعایت محاذات و موازات دقیق و عقلی که گاهی اوقات باعث وسواس می شود، اگر باعث مزاحمت برای سایر حجاج شود، حرام است.

۲. هر دوری را به حجر الاسود ختم کند.

۳. در طواف، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

مسأله ۲۹۱. لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود، لیکن دور زدن به نحو متعارف اشکال ندارد.

مسأله ۲۹۲. اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان، مقداری را خلاف متعارف دور زد؛ مثل آن که روی طواف کننده به کعبه یا پشت به آن واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را از سر بگیرد.

مسأله ۲۹۳. اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود طواف دادند، کفایت نمی کند و باید آن دور را از سر بگیرد.

مسأله ۲۹۴. در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد؛ می تواند آهسته یا تند یا سواره یا با دوچرخه برود؛ اما بهتر آن است که به طور میانه برود.

۴. داخل کردن حجر اسماعیل در طواف است؛ حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

مسأله ۲۹۵. اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

مسأله ۲۹۶. اگر عمداً حجر اسماعیل را وارد طواف نکرد، حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت. همچنین اگر سهواً این کار را کند، حکم ابطال سهوی را دارد.

مسأله ۲۹۷. اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل دور زدن نکرد یا از روی دیوار آن برود، بنا بر احتیاط واجب آن دور را از سر بگیرد.

۵. طواف از همه اطراف در صورت امکان بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم باشد.

مسئله ۲۹۸. مراد از این که: طواف بین کعبه و مقام باشد، آن است که مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم است ملاحظه شود و در همه اطراف خانه کعبه، طواف کننده از آن مقدار (تقریباً بیست و شش ذراع و نصف) دورتر نباشد.

مسئله ۲۹۹. اگر در صورت امکان شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند، طوافش باطل است و باید اعاده کند. اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را اعاده کند.

مسئله ۳۰۰. اگر از جانب حجر اسماعیل بیشتر از شش ذراع و نیم در دور زدن دور شد، باید آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند.

۶. خروج طواف کننده از خانه کعبه و آنچه از آن محسوب است.

مسئله ۳۰۱. در اطراف دیوار خانه، یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند و آن جزو خانه کعبه است و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.

مسئله ۳۰۲. اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید اعاده کند.

مسئله ۳۰۳. در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل و دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آنجایی که شاذروان است جایز است و به طواف ضرر نمی رساند اگرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

۷. هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت.

مسئله ۳۰۴. اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد، طوافش باطل است اگرچه به هفت دور تمام کند و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد نیز طواف را اعاده کند.

مسئله ۳۰۵. اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر، طواف او صحیح است.

مسئله ۳۰۶. اگر عمداً از طواف واجب یک دور یا بیشتر از یک دور کم کند؛ واجب است آن را کامل کند و اگر نکند حکمش و بنابر احتیاط واجب حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده و حکم جاهل به مسئله نیز همانند حکم عالم است.

مسئله ۳۰۷. اگر سهواً از طواف کم کند، پس اگر از نصف تجاوز کرده و فعل کثیر انجام نداده است، باید از همان جا طواف را تمام کند، و الاً احتیاط واجب اتمام و اعاده است. اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، اما در همه موارد سهو سزاوار است احتیاط (تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن) رعایت شود.

مسئله ۳۰۸. اگر شخصی پس از مراجعه به وطن خود یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده است، احتیاط آن است که خودش برگردد و آن را کامل کند و اگر نتوانست یا مراجعه مشکل بود، نایب بگیرد.

مسئله ۳۰۹. در طواف واجب، قران جایز نیست؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود دنبال هم آورد و در طواف مستحب نیز همین حکم است.

مسئله ۳۱۰. اگر سهواً بر هفت دور زیاد کند، پس اگر کمتر از یک دور است آن را قطع کند و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتر است، احتیاط آن است که هفت دور دیگر را به قصد قربت تمام کند، بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

مسئله ۳۱۱. جایز است طواف نافله را بدون عذر قطع کند و قطع طواف واجب بدون عذر کراهت دارد.

مسئله ۳۱۲. اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد؛ مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده، بعد از رفع عذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده، طواف را اعاده کند و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام و اعاده نماید.

مسئله ۳۱۳. اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتوانست به جا آورد تا آنکه وقت تنگ شد، اگر ممکن است، او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست، برای او نایب بگیرند.

مسئله ۳۱۴. اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود، واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همانجا طواف را تمام کند و الاً اعاده کند.

مسئله ۳۱۵. مستحب است برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، طواف را قطع کند و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسئله قبل عمل کند.

مسأله ۳۱۶. اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۳۱۷. اگر بعد از طواف شک کند که آن را صحیح به جا آورده یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل طواف کرده، اعتنا نکند و طوافش صحیح است اگرچه در محل طواف باشد و یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد.

مسأله ۳۱۸. اگر در آخر دور که به حجرالاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتراً، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۳۱۹. اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور، شک کند که این دور، دور هفتم است یا هشتم، یا شک کند میان هفت و شش یا کمتر، طوافش باطل است.

مسأله ۳۲۰. اگر در طواف مستحب در عدد دورها شک کند، بنابر کمتر گذارد و طوافش صحیح است.

مسأله ۳۲۱. شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

مسأله ۳۲۲. گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

مسأله ۳۲۳. اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده، باید رها کند و طواف را به جا آورد و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسأله ۳۲۴. اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص به جا آورده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است. اما احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

مسأله ۳۲۵. اگر از روی سهو یا غفلت یا جهل طواف را بی وضو یا با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد طوافش باطل است.

مسأله ۳۲۶. اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسأله ۳۲۷. در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسأله ۳۲۸. واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه می تواند به راست و چپ نگاه کند و صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند و می تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۳۲۹. جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است که اتمام و اعاده نماید.

آداب و مستحبات طواف

مسأله ۳۳۰. مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدِّ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ مَحَبَّةٌ مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»؛ و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبید.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ، فَفَقِيرٌ، فَسَكِينٌ بِيَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستحار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرَجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَأَغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید :

«أَمَانَتِي أَدِيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِنَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

فصل پنجم: نماز طواف

مسئله ۳۳۱. واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره، دو رکعت نماز بخواند؛ مثل نماز صبح.

مسئله ۳۳۲. نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند؛ مگر سوره‌هایی که سجده واجب دارند. همچنین مستحب است در رکعت اول، بعد از «حمد»، سوره «توحید» و در رکعت دوم، سوره «کافرون» را بخواند.

مسئله ۳۳۳. جایز است نماز طواف را بلند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر بخواند.

مسئله ۳۳۴. شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است و باید اعاده کند و در احکام، این نماز با نماز پنجگانه مساوی است.

مسئله ۳۳۵. احتیاط آن است که بعد از طواف بلافاصله مبادرت به خواندن نماز کند.

مسئله ۳۳۶. واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود و همین که پشت مقام صدق کند، کافی است و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیک‌تر بایستد، لیکن نه به طوری که مزاحمت برای سایرین داشته باشد. اگر به واسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد، در یکی از دو جانب به جا آورد. اگر ممکن نباشد، ملاحظه نزدیک‌ترین مکان به مقام را بکند.

مسئله ۳۳۷. جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام که می‌خواهد به‌جا آورد، بلکه می‌تواند آن را ترک کند.

مسئله ۳۳۸. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند، باید هر وقت که یادش آمد به‌جا آورد. اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، از همانجا سعی را رها کند و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همانجا تمام کند.

مسئله ۳۳۹. شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند، عمل کرده، اعاده آنها لازم نیست، اگرچه احتیاط مستحب در اعاده است.

مسأله ۳۴۰. اگر برگشتن به مسجد الحرام برای شخصی که نماز را فراموش کرده مشکل باشد، باید هر جا یادش آمد نماز را به جا آورد، اگرچه در شهر دیگر باشد.

مسأله ۳۴۱. اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ او واجب است که آن را قضا کند.

مسأله ۳۴۲. واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را با قرائت صحیح یاد بگیرد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند. اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش به جا آورد و احتیاطاً نایب نیز بگیرد.

مستحبات نماز طواف

مسأله ۳۴۳. در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي آيَاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

همچنین در روایت است که بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین گوید:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

فصل ششم: سعی و بعض احکام آن

مسأله ۳۴۴. واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف، سعی بین صفا و مروه را با نیت خالص برای خداوند به جا آورد. مراد از «سعی» آن است که از کوه صفا به مروه برود و از مروه به صفا برگردد.

مسئله ۳۴۵. واجب است که سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

مسئله ۳۴۶. واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

مسئله ۳۴۷. در صورتی که روی کوه برود و همان‌طور به نحو متعارف سعی کند کفایت می‌کند.

مسئله ۳۴۸. جایز است سعی بین صفا و مروه را سواره و بر روی محمل انجام دهد؛ اما راه رفتن افضل است.

مسئله ۳۴۹. طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست، گرچه احتیاط در مراعات طهارت از حدث است.

مسئله ۳۵۰. واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به‌جا آورد و اگر عمداً پیش از آنها به‌جا آورد باید بعد از طواف و نماز، آن را اعاده کند. اگر از روی فراموشی سعی را بر طواف مقدم بدارد، بهتر آن است که آن را اعاده کند و همچنین اگر از روی ندانستن مسئله مقدم بدارد.

مسئله ۳۵۱. جایز است از هر طبقه که خواست سعی را به‌جا آورد؛ هر چند احتیاط سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده است.

مسئله ۳۵۲. واجب است در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه به آنجا و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد. پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند باطل است، لیکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

مسئله ۳۵۳. برای استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه جایز است.

مسئله ۳۵۴. تأخیر انداختن سعی تا فردا بدون عذر جایز نیست.

مسئله ۳۵۵. سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

مسئله ۳۵۶. زیاد کردن سعی از روی عمد موجب باطل شدن آن است. اما اگر از روی فراموشی زیاد کند؛ چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است. اگر سعی را سهواً کم کند، واجب است آن را هر وقت یادش

بباید اتمام کند و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد.

مسئله ۳۵۷. اگر بعد از تقصیر یا بعد از آنکه از عمل فارغ شد در عدد و صحیح به جا آوردن سعی شک کرد، اعتنا نکند.

مسئله ۳۵۸. اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده‌تر؛ مثل اینکه شک کند بین هفت و نه، اعتنا نکند و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر، سعی او باطل است و همچنین است هر شک که به کمتر از هفت تعلق بگیرد؛ مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار.

مسئله ۳۵۹. کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط مستحب آن است که سعی را اعاده کند، اگرچه کفایت از همان سعی می‌کند.

مستحبات سعی

مسئله ۳۶۰. مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، به نزد چاه زمزم رفته و از آب آن بیاشامد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

پس از آن، به نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت‌های الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید :

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه، «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم بسپرد.

پس بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنِبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقَى عَدْلَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفُدُ نَائِلُهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، وَأَجْرُنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و هرکس که بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَيَّ الْعَفْوَ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، ارْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و برای زن‌ها هروله نیست و مستحب است هنگامی که به مناره میانه می‌رسد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و به جا آورد آنچه را که در صفا به جا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطَى عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقِ النَّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

فصل هفتم: تقصیر و بعض احکام آن

مسأله ۳۶۱. واجب است بعد از سعی، با نیت خالص تقصیر کند یعنی قدری از ناخن‌ها یا قدری از موی سر یا سبیل یا ریش را بزند و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند و از مو نیز قدری بزند و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه احتیاط در ترک است.

مسأله ۳۶۲. اگر تقصیر را تا وقتی که احرام حج را ببندد، فراموش کند عمره اش صحیح است و مستحب است یک گوسفند فدیة دهد. اگر عمداً تقصیر را تا احرام بستن به حج ترک کند، عمره او باطل می‌شود و حج او حج افراد می‌شود و احتیاط واجب آن است که پس از تمام کردن حج افراد، عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.

مسأله ۳۶۳. در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست.

مسأله ۳۶۴. بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرد، هر چه به واسطه احرام بر او حرام شده بود، حلال می‌شود؛ به غیر از تراشیدن سر.

مسأله ۳۶۵. در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه باید کوتاه کند و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و مانند آن نکند و احتیاط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا سبیل یا موی سر است.

مسئله ۳۶۶. بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع نباید عمره مفرده بهجا آورده شود و اگر بهجا آورد صحیح نیست ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمی‌شود.

مسئله ۳۶۷. خدمه کاروان‌های حج اگر عمره مفرده بهجا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج و به جده می‌روند و برمی‌گردند لازم نیست محرم شوند ولی اگر عمره تمتع بهجا آورده‌اند، بنابر احتیاط نباید از مکه خارج شوند؛ مگر در صورت حاجت.

تبدل حج تمتع به افراد

مسئله ۳۶۸. اگر شخصی که احرام عمره بسته است، به واسطه عذری، دیر وقت وارد مکه شد؛ به طوری که اگر می‌خواست عمره بهجا بیاورد، وقت وقوف در عرفات می‌گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید به حج افراد عدول کند و پس از بهجا آوردن آن، عمره مفرده بهجا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

مسئله ۳۶۹. اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد، به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف بهجا آورد و اگر می‌خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف در عرفات بگذرد، باید به حج افراد عدول کند و پس از بهجا آوردن آن، عمره مفرده بهجا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

مسئله ۳۷۰. اگر به واسطه عذری بدون احرام وارد مکه شد و وقت هم تنگ باشد، باید به ادنی الحل رود و الا در مکه احرام حج افراد ببندد و پس از بهجا آوردن آن، عمره مفرده بهجا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

مسئله ۳۷۱. اگر از روی عمد و بی‌جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت برای عمره تمتع تنگ شده است، احتیاط واجب آن است که حج افراد بهجا آورد و پس از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسئله ۳۷۲. مراد از تنگی وقت در مسأله‌های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی حجه تا غروب است.

مسئله ۳۷۳. کسی که می‌خواسته حج مستحب بهجا آورد، اما پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج افراد بهجا آورد و عمره مفرده بر او واجب نیست.

مسئله ۳۷۴. کسی که محرم به احرام عمره تمتع شد و عمداً تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، احتیاط واجب آن است که حج افراد به‌جا آورد و پس از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسئله ۳۷۵. کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است و در وقت احرام بستن، علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع به‌جا آورد، به وقوف عرفات نمی‌رسد، می‌تواند از اول مُحْرَم شود به حج افراد و آن را به‌جا آورد و پس از آن، عمره مفرده به‌جا آورد.

بخش دوم: اعمال حج تمتع

فصل اول: احرام حج

مسئله ۳۷۶. واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، برای حج تمتع احرام ببندد.

مسئله ۳۷۷. اگر از روی خلوص نیت حج تمتع کند و لبیک‌های واجب را به گونه‌ای که در احرام عمره ذکر شد بگوید، محرم می‌شود.

مسئله ۳۷۸. کیفیت احرام و لبیک گفتن به همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.

مسئله ۳۷۹. تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد، در این احرام هم حرام است و آنچه موجب کفاره می‌شد، در اینجا نیز کفاره دارد.

مسئله ۳۸۰. وقت احرام موسّع است و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد، می‌تواند تأخیر بیندازد.

مسئله ۳۸۱. بنا بر احتیاط واجب کسی که از عمره تمتع فارغ شد و محلّ گردید، نباید بدون حاجت از مکه خارج شود و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد، بنا بر احتیاط واجب باید محرم به احرام حج شود و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد. اگر بدون حاجت و بدون احرام از مکه بیرون رفت، لیکن برگشت و احرام بست و حج به‌جا آورد، عملش صحیح است.

مسئله ۳۸۲. احرام بستن در روز ترویبه مستحب است و بهترین زمان هم نزدیک ظهر می‌باشد.

مسئله ۳۸۳. محل احرام حج، شهر مکه است؛ هر مکانی که باشد؛ گرچه در محله‌های تازه ساز، ولی مستحب است در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل واقع شود.

مسئله ۳۸۴. اگر احرام را فراموش کند و به منی و عرفات رود، واجب است به مکه برگردد و احرام ببندد و اگر به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر ممکن نباشد، از همان جا که هست مُحْرَم شود.

مسئله ۳۸۵. اگر یادش نیاید که احرام نبسته مگر بعد از تمامی اعمال، حشش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد، بعد از وقوف در عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال، تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند.

مسئله ۳۸۶. جاهل به مسئله اگر احرام نبندد، در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام نبسته است.

مسئله ۳۸۷. اگر کسی از روی علم و عمد احرام را تا زمان فوت وقوف در عرفه و مشعر ترک کند، حج او باطل است.

مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات

مسئله ۳۸۸. اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ أَيُّكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُمَنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر بخواهد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

فصل دوم: وقوف در عرفات

مسئله ۳۸۹. وقوف با قصد قربت و خالص در عرفات مثل سایر عبادات واجب است. مراد از وقوف، بودن در آن مکان است؛ چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن.

مسئله ۳۹۰. بنا بر احتیاط واجب لازم است از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، در عرفات باشد، پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

مسئله ۳۹۱. وقوف در مجموع زمان بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است اما تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، بنابراین اگر وقوف به قدری باشد که عرف بگوید در عرفات بوده، هر چند خیلی کم باشد، حج او صحیح است؛ اگرچه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

مسئله ۳۹۲. اگر از روی علم و عمد، وقوف رکنی را ترک کند؛ یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد، حش باطل است و وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است، کفایت نمی‌کند.

مسئله ۳۹۳. اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن پشیمان شود و برگردد و تا غروب توقف کند، چیزی بر او نیست، اما احتیاط این است که یک شتر کفاره دهد و همچنین اگر بدون آنکه از کار خود پشیمان شود، برای حاجتی برگردد اما بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند، چیزی بر او نیست. اما اگر مراجعت نکرد، کفاره آن یک شتر است که باید هر جا که بخواید در راه خدا قربانی کند و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، اما اگر متمکن از قربانی نباشد هیچ‌ده روز روزه بگیرد و احتیاط مستحب آن است که پشت سرهم باشد.

مسئله ۳۹۴. اگر سهواً یا از روی ندانستن مسئله کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناهکار است و بنا بر احتیاط کفاره دارد، و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

مسئله ۳۹۵. اگر کسی به واسطه عذری، مثل فراموشی و تنگی وقت و مانند آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند، اگر مقداری از شب عید را هر چند اندک در عرفات باشد، کفایت می‌کند؛ این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند.

مسأله ۳۹۶. اگر کسی که به واسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمداً و بی عذر در عرفات وقوف نکند، حج او باطل می‌شود، اگرچه وقوف به مشعر را درک کند.

مستحبات وقوف در عرفات

مسأله ۳۹۷. هنگام وقوف در عرفات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال وقوف.
۲. غسل نمودن؛ بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.
۳. آنچه موجب حواس پرتی است از خود دور سازد؛ تا آنکه قلب او متوجه خداوند گردد.
۴. وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.
۵. وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن از کوه مکروه است.
۶. در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.
۷. قلب خود را به حضرت حق متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن، صد مرتبه «الله اکبر» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي أَنْ أُعْطِيَتْنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيَتْنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَقِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكِي الَّتِي أَرِيْتَهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَّتْ عَمْرُهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۸. این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَأَلَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاتِي (براءة تي خل) وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوقِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْقِيَامِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹. آنکه رو به کعبه کند و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

سپس از اول سوره بقره ده آیه بخواند، سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند سپس این آیات را بخواند:

{إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ}.

پس سوره «فلق» و سوره «ناس» را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر

چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَاتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است

خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل

شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة و السلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ».

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق در سال آینده و هر سال حج بیابی و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

پس بخوان این دعا را: «اللَّهُمَّ فَكِنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ وَشَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰. آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتَتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْبَسَنِي عَافِيَتَكَ وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیهما را که در صحیفه کامله است، خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَأَرْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ».

فصل سوم: وقوف در مشعرالحرام

مسئله ۳۹۸. بعد از آنکه از وقوف در عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید به مشعر الحرام کوچ کند که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

مسئله ۳۹۹. احتیاط واجب آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام به سر ببرد و از طلوع فجر صادق تا طلوع آفتاب با خلوص و بدون ریا، نیت وقوف در مشعر الحرام کند.

مسئله ۴۰۰. واجب است از طلوع فجر صادق تا طلوع آفتاب در مشعر بماند، اما تمام آن رکن نیست؛ بلکه همین قدر که عرف بگوید در مشعر توقف داشته کافی است. پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می‌آید حج او باطل خواهد شد.

مسئله ۴۰۱. جایز است برای کسانی که عذری دارند، قدری که شب در مشعر توقف کردند به منی کوچ کنند؛ مثل زن‌ها و بچه‌ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند و احتیاط واجب آن است که قبل از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند.

مسئله ۴۰۲. کسی که شب یا بعضی آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع فجر صادق عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده است، حج او صحیح است و باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۴۰۳. کسی که وقوف بین الطلوعین یا وقوف شب را درک نکند، در صورتی که معذور باشد، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر را در مشعر توقف کند؛ اگرچه کم باشد، حج او صحیح است.

مسأله ۴۰۴. از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

۱. شب عید برای کسانی که عذری دارند.
۲. بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.
۳. از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم، که اضطراری مشعر است؛ چنان که قسم اول نیز اضطراری است.

مسأله ۴۰۵. حالات مختلف درک عرفات و مشعر الحرام به شرح ذیل است:

۱. آنکه مکلف هر دو موقف را در وقت اختیاری درک کند؛ یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درک کند؛ پس اشکالی در صحت حج او نیست.
۲. آنکه هیچ یک از دو موقف را درک نکند، نه اختیاری و نه اضطراری؛ پس شکی در بطلان حج او نیست و باید بنا بر احتیاط مستحب نیت عدول به عمره مفرده کند و آن را به جا آورد و از احرام خارج شود و احتیاطاً یک گوسفند ذبح کند و در صورتی که درک نکردن موقف به واسطه عذر باشد، باید سال دیگر اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، حج به جا آورد. اما اگر از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می شود و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.
۳. آنکه اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز درک کند؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر را؛ پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد حج او باطل است و الاً صحیح است.
۴. آنکه اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه درک کرده باشد؛ پس اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک کرده، حج او باطل است و الاً صحیح است.
۵. آنکه اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح درک کرده باشد؛ پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترک کرده است، حج او صحیح است و الاً بنا بر احتیاط واجب باطل است.
۶. آنکه اضطراری شب مشعر و اضطراری عرفه را درک کرده باشد؛ پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد، حج او صحیح است و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمداً ترک کرده باشد در عرفه حش باطل است و بنا بر احتیاط در اختیاری مشعر نیز باطل می باشد، و اگر به غیر عمد باشد، احتیاط واجب در بطلان است.

۷. آنکه اضطراری عرفه و اضطراری روز مشعر را درک کرده باشد؛ پس اگر عمداً یکی از دو اختیاری را ترک کرده باشد، حج او باطل و الاً صحیح است؛ اگرچه احتیاط این است که در صورت حصول شرایط، سال بعد اعاده کند.
۸. آنکه فقط اختیاری عرفه را درک کند؛ بنابراین احتیاط واجب اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده باشد، باید حج را تمام و دوباره آن را اعاده کند و الاً حج او باطل است.
۹. آنکه فقط اضطراری عرفه را درک کند؛ در این صورت حج او باطل است.
۱۰. آنکه اختیاری مشعر را درک کند؛ در این صورت اگر وقوف عرفه را عمداً ترک نکرده باشد، حج او صحیح است و الاً باطل است.
۱۱. آنکه فقط اضطراری روز مشعر را درک کند؛ در این صورت حج او باطل است.
۱۲. آنکه فقط اضطراری شب مشعر را درک کند؛ در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد، حج او صحیح است و الاً باطل است.

مستحبات و قوف در مشعر الحرام

مسأله ۴۰۶. مستحب است با دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام رود و استغفار نماید و همین که از طرف راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْفِئِي وَزِدْهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز شام و خوابیدن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد؛ اگرچه یک سوم شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که می تواند باشد و به عبادت خداوند به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد
آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ،
اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي
عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است
و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند
رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

فصل چهارم: واجبات منی

۱. رمی جمره عقبه

رمی جمره عقبه یعنی ریگ انداختن به جمره که نام محلی است در منی.

مسأله ۴۰۷. شرط است در سنگی که می‌خواهد بیندازد به آن، «حصی» یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آنقدر ریز
باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل «شن» کافی نیست و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر
ریگ مثل کلوخ و سفال و اقسام جواهرات نیز جایز نیست و اما اقسام سنگ‌ها حتی سنگ مرمر مانع ندارد. اگر
شک کند به سنگی که می‌خواهد بیندازد «حصی» گفته می‌شود، باید به آن اکتفا کند.

مسأله ۴۰۸. شرط است که سنگ‌ها از حرم باشد و سنگ خارج حرم کافی نیست و در حرم از هر موضعی که
مباح باشد می‌تواند بردارد مگر مسجدالحرام و مسجد خیف بلکه بنا بر احتیاط سایر مساجد و مستحب است از
مشعر بردارد. اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده‌اند، اعتنا نکند.

مسأله ۴۰۹. سنگ‌ها در صورت امکان باید بکر باشند؛ یعنی آنها را خودش یا کس دیگری نینداخته باشد. اگر
شک کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جایز است به آن بیندازد.

مسأله ۴۱۰. سنگ‌ها باید مباح باشند، پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش جمع کرده صحیح نیست.

مسأله ۴۱۱. وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید تا غروب آن است و اگر فراموش کرد، تا روز سیزدهم می‌تواند به‌جا آورد و اگر تا آن وقت متذکر نشد، احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایبش بیندازد.

مسأله ۴۱۲. در انداختن سنگ‌ها چند امر واجب است:

۱. نیت، با قصد خالص، بدون ریا و نمایش دادن عمل به غیر، که موجب بطلان می‌شود.
۲. آنکه آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.
۳. آنکه با انداختن، به جمره برسد. پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است.

۴. عدد سنگ ریزه‌ها باید هفت باشد.

۵. باید به تدریج و یکی یکی بیندازد و در این صورت، اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد، مانع ندارد لکن یکی حساب می‌شود؛ چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

مسأله ۴۱۳. اگر در حال انداختن در عدد آن شک کند، باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند و همچنین اگر شک کند که سنگی که انداخت به جمره خورد یا نه، باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

مسأله ۴۱۴. اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید، باید دو مرتبه بیندازد، اگرچه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است. پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتبهاً به آنها رمی کرده، کافی نیست و باید اعاده کند، اگرچه در سال دیگر به وسیله نایبش.

مسأله ۴۱۵. جایز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.

مسأله ۴۱۶. باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست، اما اگر با تیرکمان بیندازد، کفایت می‌کند.

مسأله ۴۱۷. اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل خارج شد، در عدد سنگ ها شک کند؛ اگر شک در تقیصه است، احتیاط آن است که برگردد و آن را کامل کند و اگر شک در زیاده است، اعتنا نکند.

مسأله ۴۱۸. اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن در انداختن سنگ یا در عدد آن شک کند، اعتنا نکند.

مسأله ۴۱۹. اگر بعد از فارغ شدن شک کند در اینکه درست انداخته یا نه، بنا بر صحت بگذارد، بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شک کند باید اعاده کند.

مسأله ۴۲۰. در خودِ سنگ ها و انداختن آنها طهارت از حدث یا خبث شرط نیست.

مسأله ۴۲۱. از بچه ها و مریض ها و کسانی که نمی توانند به واسطه عذری - مثل بیهوشی - خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند.

مسأله ۴۲۲. اگر بعد از آنکه نایب سنگ ها را انداخت، مریض خوب شد و بیهوش به هوش آمد، لازم نیست خودش اعاده کند و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد، باید خودش از اول، سنگ بیندازد.

مسأله ۴۲۳. کسانی که عذر دارند از اینکه روز رمی کنند، می توانند هر وقت شب که باشد، انجام دهند.

مستحبات رمی جمرات

مسأله ۴۲۴. در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال رمی.
۲. هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِنِ لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي».
۳. با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.
۴. هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:
«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعِيًّا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا».
۵. میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷. سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸. پس از برگشتن به جای خود در منی، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

۲. ذبح قربانی

مسئله ۴۲۵. هر کسی که حج تمتع به جا می آورد، ذبح یک هدی واجب است؛ یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر می باشد.

مسئله ۴۲۶. یک هدی برای چند نفر به شراکت، چه در حال اختیار و چه اضطرار کفایت نمی کند، و احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می شود.

مسئله ۴۲۷. سایر حیوانات، غیر از سه حیوان مذکور، کافی نیست.

مسئله ۴۲۸. در هدی چند چیز باید رعایت شود:

۱. آنکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب، کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد و همچنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد و در میش به احتیاط واجب کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد.

۲. باید صحیح باشد، پس حیوان مریض کافی نیست، حتی بنا بر احتیاط مثل کچلی.

۳. بنا بر احتیاط واجب خیلی پیر نباشد.

۴. باید تام الأجزاء باشد و ناقص کافی نیست. پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن کافی نیست و اگر واضح نباشد و چشمش سفید شده باشد، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست و باید گوش بریده و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد.

۵. باید لاغر نباشد و اگر در گرده او پیه باشد کافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.

۶. باید «خصی» نباشد؛ یعنی بیضه های آن را بیرون نیاورده باشند و در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

۷. بنا بر احتیاط واجب بیضه آن را نکوبیده باشند.

۸. بنا بر احتیاط واجب در اصل خلقت بی دم نباشد و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد، کفایت می کند.

مسئله ۴۲۹. اگر غیر از خصی یافت نشود، کفایت می کند، اگرچه احتیاط در جمع بین آن و سالم در ماه ذی حجه همان سال و اگر نشد سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه است.

مسئله ۴۳۰. گاومیش در ذبح واجب، کافی است لکن کراهت دارد.

مسئله ۴۳۱. اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد، اشکال ندارد و شاخ خارج؛ شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف است برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.

مسئله ۴۳۲. شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد و احتیاط آن است که چنین نباشد.

مسئله ۴۳۳. بنا بر احتیاط واجب باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه انجام دهد.

مسئله ۴۳۴. یک گوسفند، کمتر چیزی است که برای ذبح کافی است، اما هرچه بیشتر ذبح کند، افضل است.

مسئله ۴۳۵. اگر هدی یافت نشود، قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی حجه بگیرد و در منی ذبح کند و اگر در این سال ممکن نشود، سال بعد این کار را بکند.

مسئله ۴۳۶. بنا بر احتیاط واجب هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.

مسئله ۴۳۷. اگر عمدتاً یا به واسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن، هدی را در روز عید ذبح نکرد، می تواند در شب عید انجام دهد و کفایت می کند. اگر در شب عید هم ذبح نکرد، احتیاط واجب آن است که در ایام «تشریق» ذبح کند و اگر نشد در بقیه ماه ذی حجه انجام دهد.

مسئله ۴۳۸. اگر حیوانی را به گمان آنکه صحیح و سالم است ذبح کرد اما بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده، کافی نیست و باید دوباره ذبح کند.

مسئله ۴۳۹. اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر است، کافی است.

مسئله ۴۴۰. اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آنکه چاق درآید، برای اطاعت خدا رجاءاً ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است، کافی است. اما اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است یا احتمال می‌داد لکن از روی بی‌مبالاتی نه به امید موافقت امر خداوند ذبح کرد، کافی نیست.

مسئله ۴۴۱. اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسئله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد، بعد معلوم شد چاق است، کفایت می‌کند.

مسئله ۴۴۲. اگر به ناقص بودن آن اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسئله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است، کافی می‌باشد.

مسئله ۴۴۳. احتیاط مستحب آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه و یک قسمت را صدقه بدهند و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند و اگر صدقه را به فقیرای کفار بدهد یا آنکه تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست، اما احتیاط؛ خصوصاً در خوردن قدری از ذبیحه، خیلی مطلوب است. فروش یا هبه سهم فقیر، قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است. بنابراین عمل بعضی، که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر، ثلث فقیر را از قربانی به خود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کنند صحیح نیست.

مسئله ۴۴۴. جایز است ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند و احتیاطاً خودش هم نیت کند.

مسئله ۴۴۵. احتیاط واجب آن است که ذبح کننده شیعه باشد؛ همین طور در ذبح کفارات و الا اگر نبود ذبح مسلمان کفایت می‌کند. اما در صورتی که قربانی به دست غیر شیعه انجام گیرد، کفایت نمی‌کند و باید دوباره قربانی کند، هرچند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح شیعه نیست یا جاهل به مسئله باشد.

مسئله ۴۴۶. ذبح نیز از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

مسئله ۴۴۷. اگر بعد از ذبح، احتمال ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را داد، اعتنا نکند.

مسئله ۴۴۸. اگر به کسی نیابت برای خریداری و ذبح داد و نایب آن را انجام داد اما بعد از آن شخص محرم احتمال داد که نایب به شرایط عمل نکرده باشد، به این احتمال اعتنا نکند و ذبح کافی است.

مسئله ۴۴۹. اگر کسی را برای خریداری و ذبح نایب کرد، باید علم یا اطمینان پیدا کند به اینکه عمل کرده است و گمان کفایت نمی‌کند.

مسئله ۴۵۰. اگر نایب عمداً بر خلاف دستور شرع، در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن، عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و دوباره ذبح کنند.

مسئله ۴۵۱. اگر نایب از روی اشتباه یا جهل، برخلاف دستور عمل کند، اگر برای عمل اجرت گرفته باشد، ضامن است و الاً ضامن نیست و در هر صورت باید اعاده شود.

جایگزین ذبح

مسئله ۴۵۲. اگر بر ذبح قادر نباشد؛ یعنی نه هدی و نه پولش را داشته باشد، باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

مسئله ۴۵۳. اگر بدون زحمت و مشقت می‌تواند قرض کند و توانایی اداء آن را داشته باشد، باید قرض کند و ذبح انجام دهد.

مسئله ۴۵۴. اگر می‌تواند بدون مشقت چیزی که زاید از توشه سفر است بفروشد و قربانی بخرد، باید این کار را انجام دهد.

مسئله ۴۵۵. لازم نیست معامله و کاسبی کند و پول هدی را تهیه نماید، اما اگر این کار را انجام داد، باید تهیه و ذبح کند.

مسئله ۴۵۶. سه روز روزه را باید در ماه ذی حجه و پشت سر هم بگیرد و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم باشد و زودتر نگیرد.

مسئله ۴۵۷. اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد، روز هشتم و نهم بگیرد و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق بگیرد.

مسئله ۴۵۸. جایز نیست این سه روز روزه را در ایام تشریق در منی بگیرد، بلکه در ایام تشریق در منی روزه برای همه کس حرام است؛ چه حج به‌جا بیاورد یا نیابد.

مسئله ۴۵۹. احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته، آن است که بعد از مراجعت از منی، سه روز روزه بگیرد - که اول آن روز سیزدهم است.

مسئله ۴۶۰. بنا بر احتیاط واجب اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

مسئله ۴۶۱. جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد، تا آخر ذی حجه این سه روز را هر وقت بخواهد روزه بگیرد، اگرچه احتیاط واجب آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

مسئله ۴۶۲. این سه روز را در سفر می‌تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

مسئله ۴۶۳. اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن توانایی قربانی کردن پیدا کرد، لازم نیست ذبح کند، اما اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد، باید ذبح کند.

مسئله ۴۶۴. اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی حجه تمام شد، باید هدی را خودش یا نایبش در منی ذبح کند و روزه فایده ندارد.

مسئله ۴۶۵. باید این سه روز روزه را، بعد از احرام به عمره به‌جا آورد و قبل از آن نمی‌تواند و هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج، بنا بر احتیاط واجب پی در پی بگیرد.

مسئله ۴۶۶. جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آنکه بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می‌توانست به وطن خود مراجعت کند یا اگر یک ماه می‌ماند، جایز است به‌جا آورد.

مسئله ۴۶۷. در این ایام که با هواپیما مراجعت می‌کنند، برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز است به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می‌رساند صبر کند و روزه بگیرد؛ اما احتیاط خلاف آن است و به احتیاط واجب جمع بین سه روز و هفت روز را نکند.

مسئله ۴۶۸. لازم نیست بعد از برگشتن به شهر خود، در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد می‌تواند بگیرد.

مسأله ۴۶۹. اگر متمکن از سه روز روزه نشد، در مکه و برگشت به محل خود، در صورتی که ماه ذی حجه باقی است می‌تواند در محل بگیرد، لیکن با هفت روز روزه فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد باید هدی ذبح کند؛ اگر چه به وسیله شخص امینی باشد.

مستحبات هدی

مسأله ۴۷۰. مستحبات هدی چند چیز است :

۱. در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن، گاو و در صورت نبودن، گوسفند باشد.
۲. قربانی بسیار فربه باشد.
۳. در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن، از جنس نر باشد.
۴. شتری که می‌خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دست‌ها تا زانوی آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَهَّتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۵. اینکه خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

۳. تقصیر یا حلق

مسأله ۴۷۱. هر مکلفی بعد از ذبح کردن مختار است که یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند، مگر چند طایفه:

۱. زن‌ها؛ باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند و سر تراشیدن کفایت نمی‌کند.
۲. کسی که سال اول حج او باشد، بنا بر احتیاط واجب باید سر بتراشد.
۳. کسی که موی سر خود را به غسل یا «صمغ» یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد بنا بر احتیاط واجب باید سر بتراشد.

۴. کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است، بنا بر احتیاط واجب باید سر بتراند.

۵. خنثای مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد، باید تقصیر کند و سر نتراند.

مسئله ۴۷۲. احتیاط واجب آن است که کسی که سر را می تراشد تمامش را بتراند.

مسئله ۴۷۳. در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا سبیل را چیدن، به هر نحو و با هر آلت که باشد و یا ناخن گرفتن. همچنین بهتر است که هم مقداری از مو و هم ناخن را بگیرد.

مسئله ۴۷۴. سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است، باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست.

مسئله ۴۷۵. جایز است در تقصیر و تراشیدن سر، خود انسان یا فردی دیگر این کار را انجام دهد و باید خودش نیت کند و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.

مسئله ۴۷۶. کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است، اگر سر آنها مو نداشته باشد، باید تیغ را به سر آنها بکشند.

مسئله ۴۷۷. کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا سبیل و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند و اگر هیچ مو نداشتند حتی موی ابرو باید ناخن بگیرند و اگر آن را هم نداشتند تیغ را بسر بکشند کافی است.

مسئله ۴۷۸. تراشیدن ریش از تقصیر کفایت نمی کند.

مسئله ۴۷۹. اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه کفایت نمی کند.

مسئله ۴۸۰. محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است و در حال اختیار به غیر از آن جایز نیست.

مسئله ۴۸۱. احتیاط آن است که در روز عید باشد، اگرچه تأخیر آن تا آخر ایام تشریق جایز است.

مسئله ۴۸۲. اگر کسی در منی سر نتراند و تقصیر نکرد و از آنجا کوچ کرد، باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد. در این حکم بین کسی از روی ندانستن مسئله یا عمدتاً یا نسیاناً و سهواً ترک کرده، فرقی نیست.

مسئله ۴۸۳. اگر برای این شخص برگشتن به منی ممکن نباشد، در صورت امکان هر جا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد، و مستحب است که مو را در محل خیمه خود در منی دفن کند.

مسئله ۴۸۴. جلو انداختن طواف حج و سعی قبل از تقصیر یا سر تراشی، جایز نیست. بنابراین اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر از روی سهو یا جهل به حکم، طواف و سعی انجام دهد، باید برگردد و سر بتراشد یا تقصیر کند و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد و اگر نمی‌تواند به منی برگردد هر جا هست سر بتراشد و تقصیر کند و طواف و نماز و سعی را اعاده کند. اما اگر از روی علم و عمد اینکار را کرده، باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و سعی یک گوسفند نیز ذبح کند. اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته، گوسفند لازم است، و اگر فقط سعی را مقدم داشته، گوسفند لازم نیست.

مسئله ۴۸۵. بنا بر احتیاط واجب باید در منی اول رمی جمره بعد از آن ذبح و بعد تقصیر یا حلق کند. اگر برخلاف این ترتیب عمل کند، پس اگر از روی غفلت و سهو و جهل به مسئله بوده، اعاده لازم نیست و احتیاط در اعاده است و اگر از روی علم و عمد بوده، در صورت امکان احتیاط را ترک نکند.

مسئله ۴۸۶. بعد از آنکه مُحرمی که وظیفه‌اش سر تراشیدن بود، سر تراشید یا تقصیر کردن بود، تقصیر کرد، بر او تمام چیزهایی که به واسطه احرام حج حرام شد حلال می‌شود، مگر زن و بوی خوش. اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آنکه در حرم صید جایز نیست؛ نه برای محرم و نه برای غیر محرم و این حرمت باقی است. دوم آنکه بر خصوص محرم نیز صید جایز نیست؛ چه در حرم یا غیر حرم، پس به واسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته می‌شود و برای او صید در خارج حرم جایز است.

مسئله ۴۸۷. اگر قربانی، به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنا بر احتیاط نمی‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند؛ بلکه بنا بر احتیاط مستحب ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند.

مسئله ۴۸۸. تأخیر حلق، تا آخر ایام تشریق مانع ندارد، هر چند عمدی باشد و حلق در شب هم کفایت می‌کند.

مسئله ۴۸۹. اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده، نمی‌تواند حلق کند ولی اگر با اعتقاد به اینکه وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می‌کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسأله ۴۹۰. کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه آنها سر تراشیدن می‌باشد، بنا بر احتیاط جایز نیست به واسطه زیادی مو اول سر را ماشین و بعد آن را بتراشند هر چند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

مسأله ۴۹۱. کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست؛ هر چند که برای تقصیر باشد.

مستحبات حلق

مسأله ۴۹۲. در حلق چند چیز مستحب است:

۱. آنکه از سمت راست سر شروع کند و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
۲. آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و بهتر این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و سیبیل خود گرفته و همچنین ناخن‌ها را نیز بگیرد.

فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی

بعد از تمام شدن اعمال منی، برای انجام سایر اعمال، مراجعت به مکه واجب است.

مسأله ۴۹۳. مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد، برای انجام بقیه اعمال حج به مکه بیاید و جایز است تا روز یازدهم و حتی تا آخر ذی حجه تأخیر بیندازد؛ به این معنی که روز آخر ذی حجه هم اگر آمد و اعمال را به جا آورد مانع ندارد.

مسأله ۴۹۴. اعمالی که در مکه به جا آوردن آن واجب است عبارتند از:

۱. طواف حج است که آن را «طواف زیارت» می‌گویند.
۲. نماز طواف است.
۳. سعی بین صفا و مروه است.
۴. طواف نساء است.
۵. نماز طواف نساء است.

مسأله ۴۹۵. کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت.

مسأله ۴۹۶. در حال اختیار جایز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی به جا آورد.

مسأله ۴۹۷. چند گروه هستند که برای آنها جایز است طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و بعد از آنکه محرم به احرام حج شدند، به جا آورند و عمل آنها مجزی است:

۱. زن‌هایی که می‌ترسند در برگشتن حیض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.
۲. پیرمردها یا پیر زن‌هایی که در موقع مراجعت به دلیل زیادی جمعیت یا عجز از برگشتن به مکه باشند، عاجز از طواف باشند.
۳. اشخاص مریضی که می‌ترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز از طواف باشند.
۴. کسانی که می‌دانند تا آخر ماه ذی‌حجه، به جیتی برای آنها طواف و سعی ممکن نمی‌شود.

مسأله ۴۹۸. سه گروه اول، اعمالی را که جلو انداخته اند کفایت می‌کند؛ اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود، مثلاً زن حیض نشود و مریض خوب شود و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها اعاده اعمال لازم نیست گرچه احتیاط مستحب است. همچنین گروه چهارم که عقیده داشت نمی‌تواند اعمال را به جا آورد، اگر از جهت مرض و پیری و عیالی بود باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود؛ مثل آنکه اعتقاد داشت سیل مانع می‌شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعمال را بعد از رجوع اعاده کند.

مسأله ۴۹۹. شخص محرم که به واسطه احرام حج، چیزهایی بر او حرام شد، در سه موقع و بعد از سه عمل به تدریج آنها همه آنها مگر صید بر او حلال می‌شود:

۱. بعد از تقصیر یا سر تراشیدن در منی، همه چیز حلال می‌شود؛ مگر بوی خوش و زن و صید؛ از جهت احرام نه از جهت حرم.
۲. بعد از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، بر او بوی خوش، حلال می‌شود ولی همچنان زن بر او حرام است.

۳. بعد از بهجا آوردن طواف نساء و نماز آن، که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است، بر او زن نیز حلال می‌شود.

مسئله ۵۰۰. کسانی که به واسطه عذر؛ مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

مسئله ۵۰۱. طواف نساء اختصاص به مرد ندارد و بر زن و ختنی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است، و اگر طواف انجام ندهند، زن بر آنها و نیز اگر زن آن را ترک کند، مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز، اگر ولی او را محرم کرد باید او را بنا بر احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

مسئله ۵۰۲. طواف نساء و نماز آن، اگرچه واجب است و بدون آن زن و بنا بر احتیاط واجب آنچه از زن بر او حرام شده بود؛ مثل عقد کردن و خطبه خواندن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود، لیکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود.

مسئله ۵۰۳. در حال اختیار مقدم داشتن سعی بر طواف زیارت یا بر نماز آن یا مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی جایز نیست و در صورت تقدم، باید اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسئله ۵۰۴. در حال ضرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی جایز است طواف نساء را قبل از سعی بهجا آورد، اما احتیاط در آن است که نایب بگیرد تا بعد از آن بهجا آورد.

مسئله ۵۰۵. اگر سهواً یا به واسطه ندانستن حکم، طواف نساء را قبل از سعی بهجا آورد، طواف و سعیش صحیح است ولی احتیاط در اعاده طواف است.

مسئله ۵۰۶. اگر طواف نساء را سهواً بهجا نیاورد تا اینکه از حج برگشت، پس اگر می‌تواند باید خودش برگردد و بهجا بیاورد و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد، نایب بگیرد و پس از بهجا آوردن، زن به او حلال می‌شود.

مسئله ۵۰۷. اگر کسی طواف واجب را - چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء - فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی کرد، باید یک هدی در مکه قربانی کند و احتیاط آن است که شتر باشد و اگر می‌تواند، خودش برود و طواف و نماز آن را بهجا آورد و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم بهجا آورد و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد.

مسأله ۵۰۸. اگر کسی طواف را - چه طواف عمره یا طواف زیارت - از روی جهل به مسأله به جا نیاورد و به وطن خود برگشت، باید حج را اعاده کند و یک شتر نیز قربانی کند.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

مسأله ۵۰۹. آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که برای طواف حج می آید، در روز عید قربان بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِكَ وَسَلِّمْ لِي لَهُ وَسَلِّمْ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذُنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَبِعًا لَأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

پس به نزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد و اگر آن هم ممکن نشد، مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود، به جا آورد.

فصل ششم: بیتوته در منی

مسأله ۵۱۰. بر حاجی واجب است شب یازدهم و دوازدهم ذی حجه را در منی بیتوته کند؛ یعنی از غروب آفتاب تا نصف شب در آنجا بماند.

مسأله ۵۱۱. چند گروه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند:

۱. کسی که در احرام صید کرده است و احتیاط واجب آن است که اگر صید را گرفته و نکشته باشد نیز شب سیزدهم را بماند، اما به غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر محرم حرام است، مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده بیتوته شب سیزدهم واجب نیست.
۲. کسی که در احرام با زن نزدیکی کرده است؛ چه در قُبُل و چه در دُبُر و چه با زن خود یا اجنبیه، ولی غیر از جماع، کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده، بیتوته شب سیزدهم واجب نمی شود.

۳. کسی که در روز دوازدهم از منی کوچ نکرد و غروب شب سیزدهم را درک کرد.

مسئله ۵۱۲. چند گروه هستند که واجب نیست در شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم در منی بمانند، اما بنا بر احتیاط واجب باید برای هر شب یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی کنند:

۱. بیماران و پرستاران آنها و دیگر کسانی که برای آنها ماندن مشقت داشته باشد؛ به هر عذری که باشد.
۲. کسانی که می‌ترسند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از بین می‌رود، به شرطی که مال معتد به باشد.
۳. شبانهایی که حیوانات آنها به چرانیدن در شب احتیاج دارد.
۴. کسانی که وظیفه آب دادن به حجاج در مکه را دارند.
۵. کسانی که شب را در مکه بیدار و تا صبح به عبادت مشغول باشند و کار دیگری جز آن نکنند، مگر کارهای ضروری؛ از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

مسئله ۵۱۳. مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کند، از اول شب تا نصف آن است، پس کسی که در منی از غروب تا نیمه شب بیتوته کرد، مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

مسئله ۵۱۴. کسی که در اول شب بی‌عذر در منی نبود، احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.

مسئله ۵۱۵. بنا بر احتیاط واجب نیمه شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند و احتیاطاً نیز از مغرب شرعی حساب کنند.

مسئله ۵۱۶. بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند به‌جا آورد.

مسئله ۵۱۷. بنا بر احتیاط واجب جایز نیست در غیر مکه و حتی در بین راه منی و مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود.

مسئله ۵۱۸. کسی که بیتوته در منی را ترک کند، برای هر شب یک گوسفند باید قربانی کند؛ در این حکم فرقی نیست بین آنکه از روی علم و عمد باشد یا از روی نسیان یا از روی ندانستن مسئله.

مسئله ۵۱۹. کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و به منی نیامده‌اند، قربانی بر آنها واجب نیست.

مسأله ۵۲۰. گوسفندی که باید قربانی شود، هیچ یک از شرایط هدی را، که در منی برای حج باید ذبح کنند، لازم نیست داشته باشد. همچنین محل معینی برای قربانی وجود ندارد؛ حتی می‌تواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که در منی قربانی کند.

مسأله ۵۲۱. اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درک نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند قربانی کنند و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

مسأله ۵۲۲. کسانی که برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم جایز است، باید بعدازظهر کوچ کنند و قبل از آن جایز نیست و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند، مختارند هر وقت بخواهند کوچ کنند.

مسأله ۵۲۳. اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای نفر، بعدازظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

مسأله ۵۲۴. در کوچ کردن بعدازظهر روز دوازدهم، زن‌ها هم حکم مردان را دارند. بنابراین، اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند، نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند؛ مگر اینکه از ماندن تا بعدازظهر معذور باشند.

مسأله ۵۲۵. اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی‌شود.

فصل هفتم: رمی جمرات سه‌گانه

مسأله ۵۲۶. شب‌هایی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه‌گانه کند؛ یعنی سنگریزه به سه محل بزند؛ که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه آن را ترک کند، به حج او ضرر نمی‌رساند و صحیح است، گرچه در صورت عمد معصیت کار است.

مسأله ۵۲۷. اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند، واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

مسأله ۵۲۸. تعداد سنگریزه که باید به جمره بزند، برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

مسأله ۵۲۹. وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتابِ روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است و در شب جایز نیست به جا آورد.

مسأله ۵۳۰. اگر کسی از اینکه روز به جا آورد، عذری داشته باشد؛ مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

مسأله ۵۳۱. واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینکه: اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد. اگر به ترتیبی که گفته شد به جا نیاورد، باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب انجام داده است، به جا آورد، به طوری که ترتیب حاصل شود. در این حکم فرقی نیست میان آنکه از روی علم و عمد خلاف ترتیب انجام داده یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسأله، و در هر صورت باید اعاده کند.

مسأله ۵۳۲. اگر کسی چهار سنگ به جمره اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمره بعدی بشود کافی است و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد پس می تواند چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمره وسطی و بعد مشغول جمره عقبه شود و به هر ترتیب می خواهد هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری را بیندازد، اما بنا بر احتیاط واجب کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده، باید اعاده کند.

مسأله ۵۳۳. اگر کسی عمداً یا از روی فراموشی در یکی از روزها رمی نکرد، واجب است روز بعد آن را قضا کند و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند.

مسأله ۵۳۴. واجب است قضا را بر ادا مقدم بدارد، پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را به جا بیاورد، اول قضای عید را به جا آورد و بعد رمی روز یازدهم را ادا کند و همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را به جا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم که ادا است، ختم کند.

مسأله ۵۳۵. همانگونه که قضای رمی جمرات سه گانه واجب است، قضای رمی بعضی از آنها هم، اگر ترک شده باشد، واجب است. پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دوتای دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده انجام دهد و بعد تکلیف این روز را به جا آورد.

مسأله ۵۳۶. اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته، باید قضا کند؛ به طوری که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

مسئله ۵۳۷. اگر به هریک از جمرات یا بعض آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید، بنا بر احتیاط واجب باید بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

مسئله ۵۳۸. اگر کسی رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و از منی خارج شود و به مکه بیاید، پس اگر در ایام تشریق یادش آمد، باید برگردد و به جا آورد و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمداً تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و به جا آورد و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.

مسئله ۵۳۹. اگر رمی جمرات را فراموش کرد و بعد از خروج از مکه یادش آمد، بنا بر احتیاط واجب باید در سال دیگر خودش یا نایبش آن را قضا کنند.

مسئله ۵۴۰. کسی که برای رمی عذری دارد؛ مثل آنکه مریض یا طفل یا علیل باشد یا از شدت بی حالی نتواند یا بیهوش باشد، باید نایبش به جا آورد و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بیهوش و طفل کوچک، باید ولی او یا شخص دیگری از طرف او به جا آورد و احتیاط واجب آن است که تا مأیوس نشده، نایب نگیرد.

مسئله ۵۴۱. اگر بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد، عذر برطرف شد، نیاز به رمی خودش نیست.

مسئله ۵۴۲. اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شک کند که به جا آورده یا نه، اعتنا نکند. همچنین اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه، یا اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه، اعتنا نکند.

مسئله ۵۴۳. اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، بنا بر احتیاط واجب باید قبل از آنکه در رمی جمره بعدی داخل شود، آنچه محتمل است که کسر شده را بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده، هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد.

مسئله ۵۴۴. اگر بعد از آنکه داخل در جمره بعدی شد، در عدد قبلی شک کند، پس اگر بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا بعض از آنها را انداخته یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید بقیه را، اگر چه بعد از انجام جمره بعدی انجام دهد، و اگر در کمتر از چهار، شک داشته باشد، تا مقدار چهار اعتناء نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

مسأله ۵۴۵. اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که یک یا دو یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده، باید هرچه احتمال کسری داده را به هر یک از سه جمره بزند.

مسأله ۵۴۶. اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است، بنا بر احتیاط مستحب باید با مراعات ترتیب هر سه روز را قضا کند.

مسأله ۵۴۷. در طبقه دوم جمرات، رمی جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

مستحبات منی

مسأله ۵۴۸. برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است، مستحب می‌باشد و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَانَا».

و مستحب است تا زمانی که در منی اقامت دارد، نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.

مستحبات دیگر مکه معظمه

مسأله ۵۴۹. آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱. زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.
۲. ختم نمودن قرآن.
۳. خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ» و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ».
۴. نگاه کردن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.
۵. در هر شبانه‌روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

۶. هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

۷. به خانه کعبه داخل شود؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ». پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند. در رکعت اول بعد از حمد، سوره «سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸. دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لَوْفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَّئْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بَرَعْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «الله أكبر» بگوید، پس بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءِنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ». بعداً پایین آمده و رو به کعبه کند و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره مفرده

مسأله ۵۵۰. بعد از فراغ از اعمال حج، در صورتی که میسر باشد، مستحب است عمره مفرده به‌جا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق، احتیاط در این است که در فاصله کمتر از یک ماه به قصد رجاء به‌جا بیاورد و کیفیت این عمره در حج افراد و عمره مفرده ذکر شد.

طواف وداع

مسأله ۵۵۱. برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی در صورت امکان، حجرالاسود و رکن یمانی را، استلام نماید و آنچه خواهد دعا نماید، بعد از آن نیز دوباره حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حنطین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت بطلبد و وقت بیرون رفتن خرما خریده و آن را به فقرا صدقه دهد.

مسائل متفرقه

مسئله ۵۵۲. بهتر است وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد می شود، مؤمنین از آنجا خارج نشوند و از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند. همچنین بهتر است در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نماز جماعت نخوانند و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

مسئله ۵۵۳. در مسجد النبی سجده کردن روی فرش های مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند و لازم نیست حصیر یا مانند آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند، به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، اما تأکید می شود از عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن باشد، اجتناب نمایند.

مسئله ۵۵۴. تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست؛ بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده ی مسجد هم جاری است، پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند.

مسئله ۵۵۵. در تمام کوتاهی هایی که حاجی در عمره تمتع کرده است، احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد و اگر در حج کوتاهی کرده، در منی سر ببرد. اما اگر انجام نداد و به محل خود برگشت، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

مسئله ۵۵۶. اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در برداشتن است. اگر «لقطه» حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد، می تواند قصد تملک و آن را مصرف کند و ضامن صاحبش

نیست و چنانچه قصد تملک نکرد و تفریط نیز نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد بنا بر احتیاط واجب باید آن را به صاحبش برگرداند. اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال اعلام و از صاحبش جستجو کند، پس اگر او را بعد از یک سال نیافت، مخیر است بین دو امر: یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگهداری کوتاهی نکرد، در صورت تلف ضامن نیست. دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، اما اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد و جایز نیست آن را تملک کند و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن نیز می‌شود.

محصور و مصدود

مسئله ۵۵۷. مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را از عمره یا حج منع کند و محصور آن است که به واسطه مرض از عمره یا حج منع شود.

مسئله ۵۵۸. اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها، او را از به‌جا آوردن اعمال عمره یا طواف یا سعی یا رفتن به مکه منع کنند و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد، می‌تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد و در این صورت بر او همه چیز حتی زن حلال می‌شود.

مسئله ۵۵۹. کسی را که به واسطه بدهکاری که ندارد بدهد یا حمل مواد مخدر یا غیر آن حبس کنند، حکم سابق را دارد.

مسئله ۵۶۰. اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به‌جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آنکه حرجی باشد و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد حکم مصدود را داشته باشد.

مسئله ۵۶۱. اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد، باید عمره مفرده به‌جا آورد و از احرام خارج شود.

مسأله ۵۶۲. اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی‌رسد، نمی‌تواند عمل شخص مصدود را انجام دهد و مُحلّ شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

مسأله ۵۶۳. کسی که از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به‌جا آوردن اعمالی که به ترک آنها، حتی به غیر عمد، حج باطل می‌شود، مصدود شد و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر بوده، باید بعد از رفع منع، دوباره به حج برود و اعمالی که انجام داده است، کفایت از حَجَّةَ الاسلام نمی‌کند.

مسأله ۵۶۴. کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می‌تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

مسأله ۵۶۵. کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه دشمن محصور یا به واسطه مرض محصور شد، زن بر او حلال نمی‌شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال حج و طواف نساء را به‌جا بیاورد، ولی اگر نتوانست، می‌تواند برای تحلیل زن نایب بگیرد.